

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

لیست ترتیبی خطبه‌های مناسب‌های سال ۱۳۸۹

- ۰۱- خطبه‌ی آغاز سال نو- ۱ فروردین ۸۹
- ۰۲- خطبه‌ی ولادت حضرت زینب (س)- ۳۱ فروردین ۸۹
- ۰۳- خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) روایت اول- ۸ اردیبهشت ۸۹
- ۰۴- خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) روایت دوم- ۲۷ اردیبهشت ۸۹
- ۰۵- خطبه‌ی ولادت حضرت زهرا (س)- ۱۳ خرداد ۸۹
- ۰۶- خطبه‌ی ولادت امیرمؤمنان علی (ع)- ۵ تیر ۸۹
- ۰۷- خطبه‌ی شهادت امام موسی کاظم (ع)- ۱۷ تیر ۸۹
- ۰۸- خطبه‌ی عید مبعث- ۱۹ تیر ۸۹
- ۰۹- خطبه‌ی اعیاد شعبانیه- ۲۴ تیر ۸۹
- ۱۰- خطبه‌ی عید نیمه‌ی شعبان ولادت حضرت قائم (عج)- ۵ مرداد ۸۹
- ۱۱- خطبه‌ی شب اول ماه مبارک رمضان- ۲۰ مرداد ۸۹
- ۱۲- خطبه‌ی ولادت امام حسن مجتبی (ع)- ۴ شهریور ۸۹
- ۱۳- توضیح مناجات مسجد کوفه (قبل از قرائت آن در مراسم احیا)- ۷ شهریور ۸۹
- ۱۴- دل نوشته‌ی شب نوزدهم رمضان شب قدر- ۷ شهریور ۸۹
- ۱۵- خطبه‌ی شهادت امام علی (ع) شب بیست و یکم شب قدر- ۹ شهریور ۸۹
- ۱۶- خطبه‌ی شب بیست و سوم رمضان شب قدر- ۱۱ شهریور ۸۹
- ۱۷- خطبه‌ی عید فطر- ۱۹ شهریور ۸۹

- ۱۸- خطبه‌ی شهادت امام جعفر صادق (ع) - ۱۲ مهر ۸۹
- ۱۹- خطبه‌ی ولادت امام رضا (ع) - ۲۷ مهر ۸۹
- ۲۰- خطبه‌ی شهادت امام جواد (ع) - ۱۶ آبان ۸۹
- ۲۱- خطبه‌ی عید قربان - ۲۶ آبان ۸۹
- ۲۲- خطبه‌ی عید غدیر - ۴ آذر ۸۹
- ۲۳- دل نوشته‌ی عید غدیر - ۵ آذر ۸۹
- ۲۴- خطبه‌ی روز مباهله - ۱۲ آذر ۸۹
- ۲۵- خطبه‌های محرم و صفر - آذر، دی و بهمن ۸۹
- ۲۶- خطبه‌ی ولادت امام محمد باقر (ع) - ۱۸ دی ۸۹
- ۲۷- خطبه‌ی رحلت حضرت رسول اکرم (ص) - ۱۳ بهمن ۸۹
- ۲۸- خطبه‌ی شهادت امام حسن عسکری (ع) - ۲۲ بهمن ۸۹
- ۲۹- خطبه‌ی سالروز آغاز امامت حضرت مهدی (عج) - ۲۴ بهمن ۸۹
- ۳۰- خطبه‌ی ولادت پیامبر (ص) و امام صادق (ع) - ۲ اسفند ۸۹
- ۳۱- خطبه‌ی ولادت امام حسن عسکری (ع) - ۲۲ اسفند ۸۹

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی عید نوروز

۱ فروردین ۸۹

حمد و سپاس بی‌کران مخصوص خدایی است که ذات ازلی‌اش اول در وجود و مبدأ آفرینش است بی آن‌که ذات ازلی را اول و ابتدایی باشد و آخر و در وجود است بی آن‌که آن حقیقت ابدی را آخر و انتهایی باشد.

شکر و سپاس خداوند کریم را که با خلقت زمان که در تبدیل شب به روز و روز به شب و تغییرات فصل‌ها یُحیی و یُمیت و یُمیت و یُحیی را به نمایش بر عبرت همگان اراده نمود؛ و سلام و صلوات بر خاتم انبیا حضرت محمد (ص) و بر خاندان با عزت و گرمی‌اش باد.

خواهران و برادران در روزهای آخر سال که سعی در پاک و تمیز کردن ظاهر خانه و خودمان نموده‌ایم باید که در مورد اعمال و گناهان خود در سال گذشته نیز مروری داشته و با توبه باطن خود را از آلودگی پاک کنیم تا وجودمان بهاری و با طراوت شود که در این مورد از فرمایشات بانو و سرور دو عالم حضرت زهرا (س) بهره می‌گیریم که چنین فرمودند: هر گاه دو ابر در آسمان به یکدیگر اصابت کنند جرقه‌ای ظاهر می‌شود که حامل بارهای مثبت و منفی است و بعد از پیوستن ابرها باران رحمت الهی جهان را سیراب می‌نماید و بارش رحمت الهی نعمت‌های فراوانی را از دل خاک بیرون می‌آورد و دانه‌ها می‌شکافد و زیبایی‌های پنهان شده در ظاهر خاک نمایان می‌شود تا دیده‌ها از دیدنشان لذت ببرند. پدرم رسول خدا (ص) معجزه‌هایی را در دست همگان قرار دادند که جرقه‌های حقیقتی از آفرینش است گاه می‌بارد و گلستانی را ترسیم می‌کند و گاه به خرمن باطل اصابت می‌کند و آن را از میان برمی‌دارد چنان‌که هرگز در آنجا نبوده پس مراقب جرقه‌ها باشید تا همواره چون رعد تسبیح‌گوی خالق خویش باشید. ابرهای وجود را به یکدیگر متصل کنید تا ببارد و گلستانی از زیبایی‌ها در آن بروید. جرقه‌ای نباشید که به جان مردم اصابت کند و وجودشان را از خرمی و سرسبزی به برهوتی خشک مبدل سازد.

پس با توجه و اندیشه در بیانات حضرت زهرا (س) بیایید وجودهای خود را با عمل به دستورات الهی در قرآن کریم بهاری کنیم. بهاری که خزان در پی نداشته باشد و دعا کنیم که خداوند ولی و سرور و مولایمان منجی و برپاکننده‌ی بهار حقیقی عالم امام زمان (عج) را در ظهورش تعجیل بفرماید.

گفتی بهار آمد و گل‌ها همه شکفت

زیبا ملون و سبز و سفید و سرخ

گفتم در بهار هرگز نبود دوام

هر روز بهار بُود، مهدی کند قیام

بله مولای من بهار حقیقی و عید و شادابی و طراوت وجود ما با وجود مبارک شماست. امسال هم به دوری و فراق شما گذشت ولی ما به فضل و رحمت خداوند امید داریم که در سال آینده این هجران تمام شده ما ظهور بهاری شما را ببینیم.

سالی دگر گذشت مولا ندیدمت

پیری به جان نشست مولا ندیدمت

در این ساعات آخر سال دست به دعا برمی‌داریم که بار الها سالی با کوله باری از گناه و خطا بر ما گذشت از دریای کرامت تقاضا داریم توبه‌ی ما را بپذیری و از جرایم ما بگذری.

بار الها ظلم و فساد دنیا را پر کرده در ظهور دولت حقه‌ی امام عصر (عج) تعجیل بفرما.

بار الها عیدی ما را رضایت خود و امام قرار بده.

بار الها حال هجران ما را به ظهورش به احسن الحال تبدیل کن.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۳۱ فروردین ۸۹

خطبه‌ی ولادت حضرت زینب (س)

بار خدایا، پروردگارا، از آن توست پادشاهی و خاص توست حمد و سپاس. هیچ خدایی جز تو نیست. تویی خداوند بردبار، کریم، مهربان، بخشنده، صاحب جلالت و اکرام. تویی آفریدگار آسمان‌ها و زمین. بار خدایا از تو درخواست می‌کنم بر تاج پیامبران، نگین برگزیدگان، رحمت زمین و آسمان، خاتم‌الانبیاء ابوالقاسم محمد و محمود و مصطفی (ص) و هم‌چنین بر خاندانش که همه از نیکان و پاکان و برگزیدگان بودند درود فرستی. درودی که جز تو کسی را یارای شمارش آن نباشد؛ که خود در قرآن کریم چنین فرمودی: که سلام و درود بر مؤمنانی که رستگار شدند. بندگان که نشان هدایت را یافتند و آن را چون گوهری گران‌بها حفظ کردند. خاندانی که در میان امت پیامبر (ص) دارای امتیازی شدند که خود وجود مبارک پیامبر (ص) به آن‌ها عطا فرمود و آن عطا از جانب فرشتگان وحی به آنان نازل شد و آنان را مورد محبت و حمایت خود قرار داد.

خواهران و برادران امروز مصادف است با میلاد سپیدار بلند شکیبایی، تقوا و شجاعت و زلال مهر، محبت و صفا و نمونه و نمایشگر اطاعت همراه با عشق به ایزد متعال. پرورش‌یافته در مکتب امیر مؤمنان و نور دیده‌ی مادرش حضرت زهرا (س) سید بانوان دو عالم یعنی حضرت زینب کبری (س) است و چه زیباست شنیدن بزرگی و مبارکی روز تولد ایشان از زبان مادر ارجمندش. خانم حضرت زهرا (س) در این باره چنین فرمودند: پدر گرامی‌ام رسول خدا (ص) آنگاه که دخترم زینب را در آغوش گرفتند چشمان مبارکشانش را به آسمان دوختند و زینب را محکم به سینه مبارکشانش چسبانند و فرمودند: شکر پروردگار کریم را که همان‌طوری که وعده فرموده به هر کس بخواهد پسر می‌دهد و به هر کس بخواهد دختر می‌دهد و به هر کس بخواهد هم دختر و پسر می‌دهد و اکنون دامن دخترم زهرا از نعمت دختری پر شده است که رسالت مرا به صبر و استقامت زنده خواهد داشت. آنگاه که دشمنان سعی می‌کنند تا با دهان خود نور را خاموش کنند، او آن را منور خواهد کرد. سپس شال مبارکشانش را از

دور گردن باز کردند و به دور زینب پیچیدند و آن را به آغوش من دادند و فرمودند: از خاندان من فرزندانى به دنیا خواهند آمد که دین خدا را با وعده‌های حقه‌ی آن به زمان‌های گذشته و آینده نشان دهند و در رسالت مرا یاری کنند.

بانو و سرور هستی حضرت زهرا (س) دختر گرامی‌شان را در آغوش گرفته و چنین فرمودند: چشم‌های هر انسانی چشمه‌ای از حوض کوثر است و پروردگار کریم در هر چشمی از الطاف خود آبی را قرار داد تا فضای آن را نمناک کند و هرگز آسیبی به آن نرسد و اگر رسید فقط از نور ظاهری محروم باشد و باطن چشم، عجایب خاصه را ببیند. من در چشم‌های دخترم عرش را می‌بینم و عظمت خلقت را تحسین می‌کنم و بسیار سپاس‌گزار نعمت الهی هستم و عشق به زینب یعنی عشق به حقیقت، پس حقیقت خلقت او، رسیدن به نهایت عزت یک انسان در اطاعت از خالق خود بود.

پس بیاییم در این میلاد مبارک، عشق به زینب (س) که همان عشق به حقیقت و حق بندگی خداوند است را بیاموزیم. زینب گونه فکر کنیم، زینب گونه صبر کنیم، زینب گونه عمل کنیم، زینب گونه حق طلب و کوبنده باشیم و زینب گونه در انتظار دولت حقه‌ی بقیة الله اباصالح المهدی (عج) باشیم.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۸ اردیبهشت ۸۹

خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) (روایت اول)

حمد و ستایش بی‌شمار و ابدی پروردگار کریم را سزااست که اوصاف جمال و جلال او بی‌حد و نهایت، جلالش اعظم، مجدش اکرم، عظمتش جاوید، فرمانش مطاع، رحمتش واسع، گرمش جامع، عزت و سلطنتش استوار، قدرتش توانا، نعمت‌هایش فراوان و مهربانی‌اش بی‌پایان است.

بار خدایا حجت تو برتر از آن است که کسی توان شکرگزاری بر کمترین حد آن را داشته باشد و زبان‌ها از ستایش و تمجید و تعظیم تو از کار افتاده و ناتوان گشته.

پس به واسطه‌ی عطای نعمت و رحمت بزرگت یعنی برگزیدن ختم المرسلین رحمت زمین و آسمان حضرت محمد مصطفی (ص) و خاندانش تو را شکر می‌گوییم شکری که به شمارش نیاید و گواهی می‌دهیم که با خلق و برگزیدن آنان مهربانی و نعمت را بر بشریت تمام نمودی. همان پیامبری که همچون حضرت ابراهیم خلیل (س) زیست و در آتش نفس‌های سرکش امتش جان مبارکش سوخت و هیزم‌های مردمان که با شادمانی در مبارزه با وجود نازنینش می‌آوردند تا فرامین قرآن کریم را بسوزانند در گلستان صبر و استقامت آخرین هدایت‌کننده‌ی آسمانی به بهشت الهی پیوند خورد تا همواره مردمان در گلستان نبوت بنگرند، فرزندان نبوت را در آن ببینند و منتظر آخرین گل گلستان باشند تا بهاری دیگر را مژده دهد.

پس سلام و درود بی‌پایان خداوند کریم بر آنان باد. سلامی که تحیت و مبارکی و رحمت الهی را به همراه دارد چون نام دیگر سلام نصر یعنی پیروزی است. پیروزی در مقابل پلیدی‌های شیطانی، پلیدی‌هایی که روزنه‌ی دل را مسدود می‌کند و در مقابلش پرده‌ی سیاهی و تباهی را می‌آویزد. پس سلام و صلوات پروردگار کریم و فرشتگان‌ش بر رسول خاتم (ص) و فرزندان‌ش و خاندانش باد که باعث از بین رفتن حجاب‌های تاریک در دل‌ها می‌شوند و ضمیر وجودها را به چراغ تابناک نبوت متصل می‌کنند.

امشب مصادف است با شهادت تابناک‌ترین و منورترین چراغ نبوت و رسالت که پیروز و بردبار و سربلند بیرون آمد از آزمایش الهی قبل از آفرینش و مورد رضایت و پسند خداوند پسندیده و حکیم، دختر حبیب و برگزیده و امین خداوند کریم همسر ولی خدا و وصی آخرین رسول او و امام برحق و مادر امامان و انوار روشن هدایت حضرت بتول و طاهره و معصومه و رشیده و زکیه، صدیقه‌ی کبری فاطمه‌ی زهرا (س) قرار گرفت که آسمان و زمین در سوگ و فراق و محروم ماندن از وجود با برکت او همچون گدازه‌های آتشفشان می‌سوزد. چون جهالت مردمان مانع از آن شد که وجود بزرگ و با برکت و بی‌نظیرش را که نعمت بی‌همتای الهی بر زمین بود به‌درستی درک شود چون یا به دشمنی با او برخواستند و یا به نادانی از او شخصیتی غیر از خودش ساختند که در این مورد ایشان در زمان حیات به شاگردان خود چنین می‌فرمودند: که فاطمه را بشناسید تا عالم برایتان در الست و زمین و قیامت معنی شود و اگر او را نشناسید، از او افسانه‌ای می‌سازید که جوهر وجودی‌تان را در سرداب‌های حیرت و سرگردانی به دنبال خود می‌کشد و نصیبی جز نصیب آنان که مرا مانع از دنیای خود می‌دیدند نمی‌توانید داشته باشید.

پس فاطمه را بشناسید تا وجودتان در پرتوی آن از جهل نجات یابد. در مقابل عشق به پروردگار کریم که حوض علم است عشقی نمی‌تواند موجودیتی پیدا کند. در ادامه چنین فرمودند: شما در را می‌شناسید که برای خانه می‌گذارند ولی هر در صاحب‌خانه‌ای دارد و درِ خانه‌ی من صاحبی دارد که نقش وجودش را جز خالقش کسی نمی‌تواند توصیف کند. پس شکر الهی را به جا آورید که به در خانه‌ای می‌آیید که نقشش نقش عظمت پروردگار کریم می‌باشد. هم‌چنین سفارش می‌فرمودند که متوجه باشید که تمامی آنچه پروردگار کریم در کتاب آسمانی قرآن کریم فرموده از رحمت بی‌پایانش در مقابل تمام نورها که در عالم عمل‌ها وجود دارد فروزنده‌تر است و سایه‌ی رحمت الهی در مقابل کسب آنچه فرمان داده شده قوی‌تر از تمام انوارهای کسب شده می‌باشد پس من خورشیدی هستم که کلید انوار درخشان را یافته‌ام و عملم را با آن افروختم و دیگران را از علم آن آگاه کردم. صورت‌ها را حفره‌ی عمل الهی کردم ولی در دعوت پروردگار کریم که مرا به بلندترین قله‌ها دعوت فرمود خاموش

شدم، دیگر آفتاب نبودم بلکه لذت سایه را چشیدم و انوار وجودم در مقابل انوار لطف و احسان ظلمتی بود که نورانی شد پس آیات کریمه‌ی قرآن آن‌چنان رشدی را خبر می‌دهد که عقل‌ها از اندیشیدن به آن متحیر است و درک آن جز با یاری پروردگار کریم میسر نمی‌شود.

حال در شب شهادتشان قصه‌ی حزن‌انگیز فراق را از زبان مولا امیر مؤمنان (ع) بازگو کنیم که چه زیبا و غم‌انگیز است نجواها و دل‌تنگی‌های مولا از فراق همسر گهربار خود حضرت فاطمه (س).

امیر مؤمنان علی (ع) برای فرزندانش که بعد از شهادت حضرت فاطمه (س) به دنیا آمده بودند همان‌جایی که حضرت زهرا (س) می‌نشستند می‌نشست برایشان از غمی صحبت می‌کردند که وجودی قادر به درک آن نیست وقتی به محراب خانم می‌نگریستند می‌فرمودند: فاطمه، جان من بود، اکنون من در جان خود غمی را احساس می‌کنم که فراق از کوثر است و برمی‌خاستند و به نخلستان می‌رفتند و به درختان نخل می‌فرمودند: ای مونس من پروردگار کریم در نعمت مرا بی‌همتا آفریده و آنچه من داشتم ثروتی بود بالاتر از گنج‌های زمین و آسمان، گنجینه‌ام به منزلگاه رفت و من در بیابانی بدون رونق ماندم دل‌خوشی‌ام تماشای کودکانی است همانند کودکان فاطمه و سپس به خانه می‌آمدند و دخترشان ام‌کلثوم را در آغوش می‌گرفتند و می‌فرمودند ای کاش فاطمه تو را می‌دید که چه شباهتی دختر کوچکش به او دارد.

بله چه زیبا توصیف نمودند امیر مؤمنان حضرت زهرا (س) را. ثروت و نعمتی بالاتر از گنجینه‌های زمین و آسمان. افسوس دشمنانش نعمت وجود پر فروغش را چه زود از زمینیان گرفتند و صد افسوس دوستدارانش او را نشناخته به جای ذکر شأن و مقام و سفارشات نجات بخشش یادی غیر از کبودی و شکستگی پهلو نگفته و نمی‌گویند و به‌جای این‌که آرزوی شناخت شخصیت زنده و ابدی او را داشته باشند آرزوی محل دفن ایشان را دارند.

بیایید در این شب بزرگ دست به دعا برداریم:

بار الها ما را توفيق حضرت فاطمه شناسی عطا فرما.

بار خدایا نجات ما را در عمل به سفارشات و شفاعت ایشان قرار بده.

بار خدایا در ظهور دولت حقه‌ی فرزند عزیز و گرامی‌شان حضرت مهدی (عج) تعجیل بفرما.

بار الها ما را در دولت ظهور امام عصر (عج) از شناخت واقعی شأن و مقام حضرت فاطمه (س) محروم نگردان.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۷ اردیبهشت ۸۹

خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) (روایت دوم)

حمد و ستایش خداوند عزوجل را سزااست که جهان را با علم ابدی و ازلی‌اش بیافرید و در آفرینش آن از هیچ موجودی مدد نخواست بلکه امر فرمود تا آفریدگان از او مدد و یاری طلب کنند تا آنان را به واسطه‌ی مأموران آسمانی و زمینی مدد فرمایند و شکر و سپاس پروردگار کریم که با خلقت برگزیدن آخرین پیامبران حضرت محمد (ص) و اهل بیت پاکش نعمت و رحمت خود را بر بندگان به کمال رساند مخصوصاً با عطا کردن کوثر و سرور هستی بانوی دو عالم مادر انبیا حضرت زهرا (س) به پیامبر و امت او، راه هدایت را روشنی بخشید.

در بزرگی مقام حضرت زهرا (س) خداوند متعال سوره‌ی کوثر را نازل فرمود و پیامبر فرمودند هر وقت دل تنگ بهشت می‌شوم فاطمه را می‌بویم در مقام علم، ام ابیها و مادر پیامبران لقب گرفتند.

در این روز ضمن عرض تسلیت به ساحت مقدس مهدی فاطمه (عج) ولی عصر، امام بر حق بقیةالله (عج) به مناسبت ایام سوگواری مادر بزرگ گرامی‌شان اجازه می‌خواهیم تا در مورد فضائل و شأن ایشان مواردی را بیان کنیم.

حضرت زهرا (س) بعد از رحلت پدر گرامی‌شان و نادیده گرفتن پیمان غدیر از طرف پیمان‌شکنان مبارزهای مستمر و بزرگی را در دفاع از امامت و امام عصر خود یعنی امیر مؤمنان (ع) نمودند که در قسمتی از خطبه ایشان چنین فرمودند: سپاس پروردگار را که عشق به ذات را آفرید تا در پناه این عشق انسان‌ها به اوج معرفت الهی دست‌یافته و در جوار حق جای‌گیرند. من صدیقه‌ی طاهره بنت احمد هستم، همه مرا خوب می‌شناسید به گذشته‌ی من آگاهید که در اعتراض به وجود من پروردگار کریم سوره‌ی کوثر را نازل فرمود: ای مردم با دست خود آتش را بر جان‌های خود مخرید از عذاب پروردگار بترسید که روز حساب روز سخت و دشوار است در آن روز جز پدرم و همسر و خودم و فرزندانم شما را یآوری نمی‌بینم. شما را به وصایای پدرم آگاه می‌کنم و آن‌چنان دل‌شکسته هستم که پدرم در جنگ بدر دل‌شکسته بود. اسلام دین خداوند

است، خداوند از دین خود محافظت خواهد کرد و من و فرزندانم درفش‌های این دین هستیم، ما اهل بیت رسول خدا (ص) هستیم که جز راه حق نخواهیم رفت. این سخنان قاطع و شیوا نشانگر پیروزی حضرت زهرا (س) و ضلالت دشمنان و منافقان است که تاریخ تا ابد در دل خود ثبت کرده، در نتیجه دشمن برای سرپوش گذاشتن بر عجز و ناتوانی خود و کم‌رنگ کردن این رسوایی خود در مقابل ایشان به وسیله‌ی عوامل و پیروان سست عنصر و نادان، در تاریخ دست برده و دفاع از غدیر را دعوی فدک، پیروزی ایشان را سیلی خوردن تحریف کرده که ایشان چنین فرمودند: آن‌ها سعی داشتند تا حقیقت غدیر را در گرفتن فدک مخفی کنند و من سعی داشتم تا حقیقت غدیر را در معرفی چهره‌ی ضلالت و گمراهی آن‌ها انجام دهم و عملکرد آن‌ها فقط توانست چهره‌ی زشت و نفس حیوانی آن‌ها را از پشت پرده‌ی وجودشان بیرون آورد. هدف من با هدف آن‌ها تفاوت زیادی داشت هدف من پیروز شد و هدف آن‌ها باعث معرفی چهره‌ی آن‌ها گردید. هدف من دفاع کردن از اهداف پدرم بود پس باید شیعیان ما هدف مرا دنبال کنند نه هدف آن‌ها را.

پروردگار کریم شهادت در راه هدف را بهترین مرگ‌ها معرفی نموده و این میسر نمی‌شود مگر با دفاع از حقیقت امامت و حقیقت امامت یعنی روح قرآن کریم که بهترین و آسان‌ترین راه است برای رسیدن به لقاء پروردگار کریم. آنچه من انجام دادم دفاع از پروردگار کریم بود که در هر کجا که لازم بود من و فرزندانم از این حریم دفاع کردیم خواه خانه‌ی من باشد یا صحرای کربلا. منظور از محافظت از حریم این است که مسئولیت آن در گرو اطاعت از قرآن کریم است که همگان باید بدانند من اجازه‌ی ورود به افراد خبیث را به درون حریم خانه ندانم و آن‌ها شکست خورده و نادم در حالی که به عنوان دزد معرفی شدند رسوایی صحرای قیامت هستند.

و در جواب سؤال امیرالمؤمنین (ع) زمانی که غاصبان می‌خواستند به خانه وارد شوند مشغول عبادت و نماز خاص بودند پس از فارغ شدن از نماز متوجه اوضاع گشتند فرمودند: فاطمه جان چرا صبر نکردی تا من بروم گفتم من با عمل خود به فرمان قرآن کریم عمل کردم اجازه ندادم تا پاهای ناپاک، حریم خانه‌ای را که محل قدم‌های پاک پیامبر بود آلوده کنند.

پس در این روز شهادت حضرت زهرا (س) با توجه به عملکرد و سخنان ایشان راه مبارزه و دفاع از امامت مخصوصاً امام عصر خود را بیاموزیم و در این عصری که دشمنان امامت و ایشان هر روز با دشمنی‌های خود سعی در پوشاندن رسوایی پدرانشان با اسم وهابیت دارند؛ محکم‌تر و استوارتر از سربلندی اهل بیت دفاع کنیم و دعا کنیم که خداوند متعال در ظهور ناجی و انتقام گیرنده از باطل و برپاکننده‌ی حق و عدالت تعجیل بفرماید.

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۳ خرداد ۸۹

خطبه‌ی ولادت حضرت زهرا (س)

حمد و ستایش از آن خداوند بلندمرتبه و ارجمند، عزیز و کریم و حکیم و رحیم رحمان است که هنگامی که آفرید زمین و آسمان‌ها را یاری و گواهی نگرفته و خلق کرد مخلوقات را بدون نیاز به نمونه و نظری، عطا کرد نعمت‌های بی‌شمارش را از سر جود و سخا و کرامت. پس ناتوان است زبان‌ها از وصفش و عقل‌ها از درکش و چشم‌ها از رؤیت عظمتش.

خداوندا شکر و سپاس تو را سزاست که آفریدی انسان را و تاج عزت بر سرش نهادی و طوق‌های شرافت را بر گردنش افکندی و خلیفه‌ی خود قرار دادی و بر دیگر مخلوقات برتری بخشیدی و در بهشت خود جا دادی ولی افسوس که زمین جایگاه انسان گردید و در این غربت با سختی‌ها و مشکلات روبرو شد و کسانی که این هجران را با تمام وجود درک کنند جهد و کوشش خواهند نمود که دگربار به بهشت قرب تو درآیند. پس سلام بر دقایقی که جان‌ها در مخزن اسرارشان منتظر آن هستند تا با نوایی از جا برخیزند؛ و خاک سال‌ها انتظار را از ظاهر جان بزدایند و به طرف جانانشان حرکت کنند، دست‌هایشان را بگشایند تا نعمت محبت را در آغوش گیرند و مهمان خالقشان شوند، رنج‌ها را فراموش کنند و به خانه‌ی سال‌ها هجرت کرده‌شان بازگردند. پس باید در آیات کریمه‌ی قرآن اندیشه کرد تا خود و خدای خود را شناخت تا سوزش غم این هجران را درک کرد و تأسف خورد که انسان به چه عزتی و چه مقامی آفریده شد. حال اگر شناخت و درک و عمل نکرد در چه ذلتی و پستی زندگی می‌کند و خداوند کریم از رحمت و مهربانی واسعه‌ی خود انسان را مدد کرده تا دوباره به خود و مکان اصلی خود بازگردد افسوس که جان‌ها از جانانشان جدا شدند و به دیار غربت آمدند و از هر آشنایی سراغ جانان خویش گرفتند و آن جانان را نزد کسی یافتند که جرقه‌های توحید در جان مبارکش بود و به هر جانی که به آن متصل می‌شد آن جان را از خرمی توحید گلستان می‌کرد و آن جان خاتم‌الانبیا حضرت محمد مصطفی (ص) بود که همواره رحمتی را از پس رحمتی مژده می‌داد. پس درود و سلام بی‌پایان بر

پیامبر اسلام و اهل بیت طاهرینش باد که نشان از راهی می‌دهند که انتهایش گلستانی است با گل‌های بی‌نظیر؛ پس در آن جاده قدم بگذارید و از آن خارج نشوید تا به انتهای گلستان برسید.

در این روز بزرگ خداوند کریم یکی از بزرگ‌ترین و عزیزترین نعمت‌ها و رحمت‌های خود را به پیامبر اسلام و امتش و در حقیقت به بشریت عطا فرمود به طوری که خداوند متعال خود از او با عنوان کوثر یعنی رحمت جاری نام برد که این مولود مبارک همان مادر هستی بانوی دو عالم دخت پیامبر حضرت صدیقه‌ی کبری فاطمه‌ی زهرا (س) است که درود و سلام و تحیت خداوند بر ایشان و پدرشان و همسر و فرزندان‌ش باد. فرصت را غنیمت شمرده چون اندیشه‌ها و زبان‌ها از توصیف فضایل بی‌نظیر ایشان قاصر است از فرموده‌ی خودشان بهره گرفته گوشه‌ای از کمالات ایشان را بازگو می‌کنیم.

روزی یکی از شاگردانشان از ایشان پرسیدند که یا بنت رسول‌الله آیا دیدار شما برای آیندگان فقط خیالی خواهد بود که ایشان در جواب چنین فرمودند: حقیقت آفرینش حقیقتی بزرگ است که انسان‌ها فقط می‌آیند تا آن را درک کنند و بروند تا دیگری بیاید هرگز نمی‌میرند تا خیالی باشند بلکه حقیقتی هستند از ماه و خورشید که همواره از اول هستی تا پایان آن در جهان باقی هستند پس آیندگان مرا می‌شناسند و می‌توانند عمل مرا ببینند و با نزدیک کردن وجودشان به فرامین الهی در نعمت‌های عمل من داخل شوند. پس نام مرا که کوثر رحمت است را صدا بزنید تا وجودتان طراوت الست را به یاد آورد آنگاه آن را ببوئید تا شمیم رحمت را درک کنید و مانند گل‌هایی که در کنار رودها می‌رویند در کنار رودخانه‌ی رحمت الهی بروید و در آنجا خودنمایی کنید تا هر چشمی که به شما بنگرد با تحسین بگوید چه گل زیبایی بدون باغبان و باغ در کنار این رودخانه نشان از خالقش دارد و هم‌چنین فرمودند محبت دوستان ما در قلبشان است آن را مانند گنجینه‌ای حفظ می‌کنند تا اراده‌ی الهی آن را بگشاید و همگان از آن آگاه شوند و منادی ندا می‌دهد کجایید راست‌گویان، بیایید که سروران شما منتظر شما هستند تا از انوار وجودشان برخوردار شوید.

در خاتمه دست به دعا بر می‌داریم

بار الها ما را جزء تصدیق‌کنندگان نبوت پدر حضرت فاطمه (س) و امامت همسرش و فرزندان‌ش قرار بده.

بار الها زنان و دخترانمان را میراث بر عصمت و پاکی و حجاب حضرت فاطمه (س) قرار بده.

بار الها ما را در این دنیا از کوثر علم و کمال حضرت فاطمه (س) و در آخرت از شفاعت ایشان محروم مگردان.

بار الها ما را در انتظار و فرمان‌برداری و کوشش در رضایت فرزند حضرت فاطمه امام عصر (عج) ثابت قدم بگردان.

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۵ تیر ۸۹

خطبه‌ی ولادت امیر مؤمنان (ع)

حمد و سپاس شایسته و سزاوار پروردگار توانا پاک و منزّه و برتر از هر وصف و ادراک است. خدایی که دل‌های خاشعان و خدا ترسان از هیبت کبریایی‌اش حیران و قلوب عارفان از مشاهده‌ی جلالتش هراسان و از خوف عظمتش گریان و فریادرس دادخواهان و عذر پذیرنده‌ی توبه‌کنندگان و قبول کننده‌ی عمل نیکوکاران و سیراب کننده‌ی گمراهان است.

درود و سلام خداوند کریم بر تاج اوصیا خاتم انبیاء حضرت محمد مصطفی (ص) و بر خاندانش که همگی از اصلاح کاران و درست‌کاران و رستگاران و کامیابان عالم بودند، آنان که چون به خدا پناهنده شدند و به او توکل کردند و در جوار عزتش آرمیدند و از فضل و جود و کرم و رحمت و واسع‌اش روزی وسیع نصیبشان گردید و بر اثر طاعتشان توفیق خیر و راه راست و درستی یافته و از پرتو قدرت خداوند متعال بین آنان و گناهان فاصله افتاد و هیچ‌گونه نافرمانی از آنان سر نزد و در سایه‌ی لطف و عنایتش آرمیدند. پس سلام و برکات الهی در جان‌هایی است که ضربان قلبشان در توحید و ایمان به خالقشان ادامه‌ی حیات داد. ضربانی که نوای شیفتگی را در بطن وجود می‌نوازد و آثار حیاتش در آیات قرآن کریم شکل می‌گیرد، با آن شکل می‌آید و با آن می‌رود تا گویای لطفی بی‌منتها شود. درود و سلام بر پدر امامان دوستدار نبوت برادر پیامبر پیشوای بزرگ دین و ایمان، ترازوی اعمال، ساقی چشمه‌ی گوارای زلال، شایسته‌ترین مؤمنان، وارث علم پیامبران، حجت رسای خدا، شمشیر عدالت، مولود کعبه، ولی آدم امیر مؤمنان علی (ع) که وجود با برکتش را خداوند کریم امروز به اهل زمین عطا فرمود. بار الها تو را به واسطه‌ی این نعمت و رحمت بزرگت بر ما شکر می‌گوییم که ما را شناخت و قبول امامت او و فرزندانش را عطا فرمودی.

در مورد مولود گران‌قدر امروز چه زیبا بانوی دو عالم مادر هستی حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) فرمودند: که کعبه مکرم گواه است که بنده‌ی شکرگزاری را مهمان خود کرده

تا همه ببینند و ببیندیشند که همسر ابوطالب از احسان خاصی پروردگار کریم بهره‌مند شد.

پیوند فاطمه بنت اسد با حضرت ابوطالب یک پیوند ساده نبود بلکه امانتی نزد ایشان بود که به فاطمه بنت اسد باید سپرده می‌شد و ایشان این امانت را در بهترین جایگاه‌ها به دنیا آورد و پرورش داد و آن را به پیامبر (ص) سپرد تا ولی دهر شود. فاطمه بنت اسد خواستار گشایش پنجره‌ی ملکوت شد و دعایش مستجاب گردید و خانه‌ی کعبه باز شد تا پشت پنجره را تماشا کند و آن وقت لطف بی‌پایان الهی را در آغوش گرفته و از آن طرف پنجره ولی نعمت الهی را به دنیا عرضه کند. پس خداوند کریم به هر کس که بخواهد بی‌حساب روزی می‌دهد.

پس با توجه و تأمل به فرموده‌ی حضرت زهرا (س) باید گفت و فریاد کرد که ای وای بر آنانی که نه تنها قدر نعمت الهی را ندانسته بلکه به کفران و انکار و آزار او و فرزندانش برخاستند و سعی کردند و می‌کنند که نور و نعمت الهی را با ظلمت جهل و نفس خود بپوشانند. ولی چه غافل‌اند که انکار خورشید تأثیری در عظمت آن ندارد و هیچ کس توان آن نیست که ذره‌ای از نور آن را کم کند.

خواهران و برادران بیایید در این روز بزرگ با خداوند و امیر مؤمنان عهد ببندیم که با اعمال و رفتارمان نشان خواهیم داد که قدر نعمت و رحمت الهی را می‌دانیم و با عشق و روح و جانمان و با عمل خود به آن وفا داریم. خداوند کریم را شاکریم که اجازه و روزی فرمود که درب این خانه به نام جوهر هستی ابوالصالح المهدی (عج) افتتاح گردیده تا نام پر عظمتش برده شده و تسبیحش گویند و با سپاس و تشکر از وجود مبارک امام عصر که اجازه فرمودند که در این خانه جمع شده با شنیدن و آموختن دستورات الهی از عملکرد معصومین آگاه شده و با عمل به آنها ان‌شاءالله نجات یابیم.

بار الها همان‌گونه‌ای که به ما حرمت و آبرو دادی به واسطه‌ی شناخت امیر مؤمنان (ع) و فرزندانش ما را از پیروان و شیعیان واقعی آن حضرت قرار بده.

بار الها ما را توفیق آگاهی از سخنان گهربار و هدایت‌گر امیر مؤمنان علی (ع) و عمل به آنها را عطا فرما.

بار الها ما را در قیامت به اسم امیر مؤمنان علی (ع) شناسایی فرما و از شفاعتش بهره‌مند گردان.

بار الها ما را از پیروان و خدمت‌گزاران و اطاعت‌گران فرزند رشیدش امام زمان (عج) قرار بده.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۷ تیر ۸۹

خطبه‌ی شهادت امام موسی کاظم (ع)

حمد و سپاس پروردگار کریم را سزاست. خداوندی که هیچ کس، در هیچ حالی، نمی‌تواند به حدّ کمال و شکر و سپاسش را بجا آورد. چون شکر بندگان هم نعمت و احسان اوست. پس بر آن نیز شکری واجب است. هر کس هر قدر هم در طاعتش کوشش کند باز هم در مقابل آنچه شایسته‌ی فضل اوست اندک است. پس سپاسگزارترین بندگان از شکرش عاجز. عابدترین ایشان در طاعتش ناتوان است. پس هر که را بیامرزد از کرم و احسان است و خشنودی‌اش از بندگان از مهربانی و فضل اوست.

پس خدایا تو را حمد و ستایش می‌کنیم بر آنچه از نعمت‌های عالم که به ما عطا فرمودی آن‌چنان حمد و سپاسی که حمد تمام ستایش‌کنندگان عالم را پشت سر گزارد و از آن هم فزون‌تر باشد و زمین و آسمان تو را مملو از حمد حضرت سازد. خدایا همانا تویی که بر ما منت‌داری و نعمت‌های بزرگی را به ما عنایت کردی و ما را به وسیله‌ی اولیاء و برگزیدگان خود هدایت فرمودی و سعادت بخشیدی که امت آخرین ایشان یعنی خاتم انبیا و افضل اوصیاء حضرت محمد مصطفی (ص) باشیم و بار عزت ما را افزودی که دوستدار اهل‌بیت و فرزندان طاهرینش باشیم، نه از دشمنان و بدخواهان آن‌ها و نه از کفران نعمت‌کنندگان.

سلام برکات الهی در دو عالم، عالم ظاهر و عالم باطن که باعث رشد و نمو آفریده‌های خویش است آنانی از این برکات برخوردارند که جرقه‌های اتصال را در جان‌هایشان افروخته‌اند و لحظه‌ای را بدون یاد پروردگارشان نگزارند.

خدایا ما امشب به درگاهت به‌واسطه‌ی یکی از آنان رو آورده و امیدواریم در دنیا و آخرت به آبروی او ما را آبرومند سازی که او ولی تو فرزند ولی‌ات، حجت تو فرزند حجت، صفی تو فرزند برگزیده‌ات، امین تو فرزند امینت و نور تو در تاریکی‌های زمین بود یعنی امام موسی کاظم (ع).

سلام بر شما ای امام هدایت صاحب علم دیانت و تقوی، خزان‌دار دانش پیامبران، معدن وحی، صاحب علم یقین، امام شایسته و عابد و زاهد مولای ما امام موسی بن جعفر (ع) رحمت خدا و برکاتش بر شما باد.

خواهران و برادران همان‌گونه‌ای که می‌دانید با انتخاب امیر مؤمنان علی (ع) و امامان بعد از او در غدیر به‌عنوان جانشین پیامبر تمام امیدهای منافقین در برگرداندن عقاید دوره‌ی جاهلیت و از بین بردن دین اسلام بعد از پیامبر به یأس تبدیل شد در نتیجه چاره‌ی کار را در رسیدن به اهداف شوم و نیت‌های شیطانی خود در انحراف آن به‌وسیله‌ی مسلمانان سست عنصر و جاه‌طلب دیدند و به ظاهر موفق هم شدند ولی غافل از این‌که کسی را توان آن نیست که مانع اراده‌ی خداوند توانا شود. چون امیر مؤمنان (ع) و امامان بعد از ایشان نسبت به افشاگری و هدایت مردم همت وافر داشتند در نتیجه یکی بعد از دیگری تبعید و زندانی و شهید شدند ولی در همه حال از آنان ضربه خوردند و ترسیدند که نمونه‌اش امام موسی کاظم (ع) است که هارون عباسی با وجود این‌که سال‌ها ایشان را در زندان نگهداری می‌کرد ولی باز هم از امام می‌ترسید و این ترس به‌قدری بود که در زندان ایشان را مسموم و شهید کرد چون امام و امامت را نمی‌شناخت و تصور می‌کرد که می‌تواند خورشید را در سیاه‌چال زندانی کند و فرموده‌ی خداوند کریم را در قرآن که فرموده: این‌ها غافل‌اند می‌خواهند نور خدا را با دهان خاموش کنند را نفهمید. لعنت الله علی قوم ظالمین. امام موسی کاظم (ع) همچون پدران پاک و نیاکان اوصیاء خود بر آزارها شکبیا بودند آنچه از جانب خدا به عهده داشتند به‌خوبی انجام دادند. برای مردم احکام خدا را تلاوت و امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند و عالم و عادل و صادق بودند و با اخلاص تمام در راه خدا جهاد کردند و شهید شدند.

در این شب بزرگ دست به دعا برمی‌داریم:

بار الها ما را از پیروان فضایل اخلاقی و توحیدی و عبادی امام موسی کاظم (ع) قرار بده.

بار الها امام موسى بن جعفر (ع) سالها زندان را تحمل کرد که به ما راه و رسم زندگی بیاموزد پس یاری فرما آن را به درستی درک کرده و به آن عمل کنیم.

بار الها در ظهور انتقام گیرنده‌ی راه و خون امامان و افشا کننده‌ی شخصیت واقعی آنان یعنی امام زمان (عج) تعجیل بفرما.

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی عید مبعث

۱۹ تیر ۸۹

حمد و ستایش خداوندی را سزااست که قبل از ازل بود و بعد از ابد نیز خواهد بود و سپاس بی‌کران بر خداوند متعال که در جهت هدایت بندگانش به‌سوی خود که همان رستگاری است پیامبرانی را برگزید و از آنان پیمان گرفت تا در هدایت بندگانش کوشا باشند و دانست که به عهد خود وفا خواهند کرد. برگزیدن پیامبران از طرف خداوند هنگامی صورت گرفت که اکثر مردم عهدی را که با خداوند بسته بودند نقض کردند و حقوق خداوند و وظیفه‌ی خود را فراموش نمودند و دیگران را خدای خود دانسته و آن‌ها را پرستیدند زیرا شیطان آن‌ها را واداشت که راه خدا را ترک کنند و از پرستش او خودداری کنند. خداوند پیغمبران خود را یکی پس از دیگری فرستاد تا این‌که مردم را متوجه وظیفه‌شان که ماهیت آن جزء موجودیت آن‌ها بود و در روز خلقت روحشان وعده کرده که به آن وظیفه عمل کند را به یاد آورند. هیچ یک از پیغمبران از دنیا نرفتند مگر اینکه قبل از رفتن اطلاع دادند که بعد از آن‌ها چه کسی جایشان را خواهد گرفت و هیچ یک از پیغمبران که آمدند از این عمل کوتاهی نکردند تا بگویند که قبل از آن‌ها پیامبر بوده و او را مورد تصدیق قرار داده‌اند.

تا این‌که خداوند خاتم انبیاء تاج پیامبران رسول اکرم ابوالقاسم محمد (ص) را برای وفای به وعده‌ای که داده بود به پیامبری مبعوث کرد و آن وعده را به پیغمبران گذشته داد و به آن‌ها گفت که بایستی عظمت این پیامبر را بپذیرند و دوران پیغمبری او را خبر بدهند و آن‌ها پذیرفتند و آمدنش را اطلاع دادند و نشانه‌ها و علائم آمدن او و رسالتش معلوم و برجسته بود.

پس سلام بر آئینه‌ای که وحی کننده‌ی آن الله بود و اجرا کننده‌ی آن بنده‌ای بود که تار و پود وجودش از انوار الهیه تشکیل شده بود. پس آن انوار پاک تبدیل به آئینه‌ای شد که نامش دین محمد (ص) نام گرفت. خداوند او را افضل همه‌ی انبیاء و اولیاء قرار

داد و علم گذشته و آینده را تا قیامت به او سپرد؛ و در شب معراج به قرب الهی تا فاصله‌ی دو کمان نزدیک نمود.

چه زیبا بانوی دو عالم حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) در مورد آن فرمودند که: پسران عبدالمطلب (س) در تربیت او آئین حضرت ابراهیم (ع) را داشتند و کعبه‌ی مکرمه جایگاه اجتماع آنان بود هر بار که فرزندان آنها با بی‌اعتنایی به بت‌های درون کعبه در اطراف آن به بازی مشغول می‌شدند، پدرم با آنان بازی نمی‌کرد، صورت خود را به مقام ابراهیم می‌گذاشت و ساعت‌ها می‌گریست و همه می‌اندیشیدند دل‌تنگ پدر و مادرش است، ابوطالب می‌آمد و او را نوازش می‌کرد و در آغوش می‌گرفت روزگار به همین منوال سپری شد تا وقتی که آثاری از وجود مبارکش ظاهر شد که همگی را متحیر نمود و ایشان هر ساله در ماه‌های حرام که می‌شد به غار حرا می‌رفت و تا پایان ماه آنجا می‌ماند تا اینکه در همان غار در بیست و هفتم ماه رجب به پیامبری مبعوث گردید و چه باشکوه بود آن لحظه که جبرئیل امین فرمود بخوان به نام پروردگارت که خلق کرد انسان را از خون بسته. آنچه پیامبر گرامی اسلام خواند در باطن وجودها بود، رسول خدا (ص) خواند تا ما بتوانیم آنچه را که وجود گرامی‌شان خواند بخوانیم. قبل و بعد از وحی و نزول آیات کریمه‌ی قرآن فرشتگان و حضرت جبرئیل (ع) به وجود مقدس پیامبر اسلام سلام و درود می‌فرستادند، پس صلوات با اعجاز آیات همراه است.

سلام و درود و رحمت الهی بر لحظه‌ای باد که اراده‌ی پروردگار عالم بر آمدن وحی و قرآن کریم قرار گرفت. عقل‌ها از بزرگی کلامش درمانده شد و ادراک‌ها از درکش تهی گشت، انوارش عالم را احاطه کرد و زبانش فصیح‌ترین کلام‌ها گردید. نامش زیباترین نام‌ها و اعجازش بزرگ‌ترین اعجازها، بخشش آن زیباترین بخشش‌ها و عذابش دردناک‌ترین عذاب‌ها است و شکر و سپاس بی‌پایان بر رحمتی که منتهایی در برگزیدن و آورنده‌ی وحی‌اش در کلام‌ها نمی‌گنجد.

خواهران و برادران که در این روز مبارک در این خانه‌ی بلند و بزرگ حضور دارید بیایید همگی شکرگزار خداوند کریم باشیم که از امت چنین پیامبر بزرگ و ارجمندی

هستیم و هم‌چنین به وجود پربرتک شریک و ناطق قرآن و زنده کننده‌ی حدود احکام آن یعنی امام عصر (عج) به مناسبت بعثت جد بزرگوارشان تبریک و تهنیت عرض کرده و همه‌ی لحظات زندگی‌مان را در انتظار ایشان سپری می‌کنیم که مادر ارجمندشان چه زیبا ایشان را برای مشتاقانشان توصیف فرمودند: که نور و ظلمت در پی یکدیگرند مانند رسالت رسولان. نور هدایت در طغیان کافران به تاریکی مبدل گشت و هدایت هدایت‌شدگان نوری جاودانه گردید و آنگاه که پویندگان نور به دنبال مولایشان در توحید حقیقی همان‌گونه‌ای که در سوره‌ی دهر می‌فرماید حرکت کنند از کوزه‌هایی که در آن کوزه‌ها مُهر دارد می‌نوشند. نوشندگان از این کوزه‌ها می‌نوشند و مست می‌شوند. مستیِ بخصوصی که درک آن فقط برای کسانی میسر است که شعور غیبی آنان در رابطه با پروردگارشان در عظمت و بزرگی و جلالتش به حالتی مبتلا شود که میوه‌ی عملشان با رسول الهی مُهر شود تا رایحه‌ی توحید در شامه‌ی آنان جاودانه شود. معراج حضورشان در بلندای توحیدشان آنان را از الطاف خاصه‌ی پروردگار برخوردار می‌نماید.

پس همه با هم نام پربرتک مولایمان را صدا می‌کنیم تا ظلمت معنی و مفهوم خود را از دست بدهد و نور جاودانه شود.

یا حجة ابن الحسن عجل علی ظهورک

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۲۴ تیر ۸۹

خطبه‌ی اعیاد شعبانیه

حمد و ستایش مخصوص آن خدایی است که هیچ کس در عالم سر از حکم و فرمانش نتواند گریخت و بخشش او را منع نتواند کرد و هیچ آفرینشی مانند آفرینش او پدید نتواند ساخت. بر هر چیزی توانا است و قدرت کامل دارد.

ای خدای من به لقای تو اشتیاق دارم و به یکتایی‌ات گواهی می‌دهم و به ربوبیتت اعتراف می‌کنم و می‌دانم که تو مربی و پروردگار منی و بازگشت من به سوی توست.

ای خدا شهادت می‌دهم، با تمام توجه و کمال جدیت و به قدر طاعت و طاقتم، وسعت فکر و معرفتم و با تمام ایمان و یقینم می‌گویم که حمد و ستایش مخصوص توست ای خدای کریم و غفار.

این مناجات و ابراز عشق همراه با اخلاص و یقین که سرچشمه از اشتیاق عارفانه و عاشقانه دارد و نشانگر روحی بزرگ و لطیف و آماده‌ی هرگونه تحملِ سختی و فداکاری در راه معشوق است چه کسی می‌تواند باشد، غیر از سرور آزادگان، معنای عارفان، الگوی عاشقان، سالار شهیدان، اوج بندگان، نمونه‌ی بارز مؤمنان اباعبدالله الحسین (ع). اوست که بندگی را با عشق در آمیخت و تا زمانی که همه‌ی داشته‌های گران‌قدرش و جان و سرش را برای رضای خدا فدا نکرد دلش آرام نگرفت. در این راه برای هدایت و نجات مردم چنان ابراز علاقه نشان داد و تلاشی وافر داشت که تا آخرین لحظه‌ی عمر دمی را آسوده نگذراند. یکی از مناجات‌های زیبای ایشان را در این مورد می‌خوانیم که فرمودند:

ای آفریننده‌ی هستی به آنچه که آفریدی نظر کردم و بزرگی خلقت تو را در همه‌ی آن‌ها دیدم و به یقین رسیدم و بعد به ظاهر مردم نگاه کردم، هیچ‌گونه جای سؤالی در تکامل ظاهری آن‌ها ندیدم و وقتی به باطن آن‌ها توجه کردم عظمت انوار روح را در آن‌ها کاملاً مشاهده نمودم و هیچ‌گونه جای سؤالی در باطن آن‌ها نیافتم. پس آنچه که به‌عنوان خلیفه آفریدی بدون نقص و در تکامل آفرینش غیرقابل وصف است. ولی

ای آفریننده‌ی جانم تمام تلاش آنچه که به‌عنوان مأمور انتخاب کردید، برای معرفی این تکامل گذشت و هرگز هیچ‌کدام نتوانستند جز اندکی از مردم را به وجود بزرگ خود آگاه کنند. اکنون من با تو ای پروردگار کریم عهد می‌بندم که تمام تلاش خودم را چون پدرانم در تحقق این امر انجام دهم.

امام حسین این وعده‌ی خود را حقیقاً به مرحله‌ی اجرا گذاشتند. در کربلا بعد از روزها تلاش در جهت نجات دشمنان از آتش غضب الهی بعد از آنکه آنان را موعظه و نصیحت کردند در روز عاشورا درحالی‌که اشک در چشمان مبارکشان حلقه زده بود به‌طرف دشمن نگاه کرده و فرمودند: خداوندا! تو شاهدی آنچه در توان داشتم انجام دادم و باز هم تلاش خواهم کرد تا آن‌ها را از عذاب تو برهانم اما ما را در مشیت تو راهی نیست.

سلام بر اقیانوس مهر و گذشت و جوانمردی و ایمان. سلام بر سرور کائنات، امام حسین (ع) که چه زیبا مادر گرامی‌شان حضرت زهرا (س) ایشان را توصیف فرمودند، بعد از این‌که ایشان را در آغوش گرفتند فرمودند: سلام بر سری که سرور شهیدان است تپش قلبم در شریان سر میوه‌ی دل رسول خدا (ص) چون رودی خروشان است.

خواهران و برادران امشب به غیر از جشن مولودی امام حسین (ع) مولود گهر گران‌قدر الهی سید ساجدین، زینت عابدین، مرد مناجات، معلم مکارم اخلاق و دعا امام علی بن الحسین (ع) را نیز جشن بگیریم که همه با صحیفه‌ی سجادیه که گنج گران‌بهای شیعه می‌باشد آشنا هستیم. امام زین‌العابدین (ع) بعد از حادثه‌ی عاشورا با مناجات و دعاهای خود مبارزه‌ای را در خفقان آن زمان انجام دادند که دشمن برای پوشاندن چهره‌ی باطل خود و ناتوانی در مقابل حق برنده‌ی امام که به‌وسیله‌ی مناجات بر سر آنان کوبید، ایشان را شهید کردند و برای به دست آوردن و از بین بردن این کتاب بزرگ جسد فرزند ایشان زید بن علی بن الحسین و یارانش را سال‌ها بر سر دار نگه داشتند.

این است امامت، زمانی با شمشیر و زمان دیگر با دعا و زمانی با علم خود که به تیزی شمشیر بر سر باطل می‌کوبد. ولی متأسفانه شیعه از ایشان انسانی بیمار و گوشه‌نشین

تصور دارد درحالی که بسیار فعال و رشید و بلند قامت بودند و شباهت زیادی به پدر بزرگ خود امیر مؤمنان داشتند؛ بنابراین تحریف‌هایی که از عملکرد هر یک از معصومین شده در مورد این امام بزرگ نیز شده است.

در این روز جشن میلاد بزرگ دیگری که اسوه‌ی شجاعت و تقوا، رشادت و ایمان، استواری و وفاداری در پیمان، یاور و اطاعت‌گر واقعی امام عصر خود، قمر منیر بنی‌هاشم ابوالفضل عباس (س) را نیز جشن می‌گیریم و از شخصیت والای ایشان که در پس پرده‌ی مشکی آب پنهان شده چند کلمه‌ای را بیان می‌کنیم.

از روایات این‌گونه بر می‌آید که ایشان فرزندی به نام فضل نداشتند. لقب ایشان به نام ابوالفضل یعنی پدر علم و دانش و ادب به خاطر اخلاق و معرفت ایشان بوده که کمتر از آن سخن به میان آمده.

مادر بزرگوارشان بانوی گرامی ام‌البنین فرمودند: دامن حضرت زینب (س) را گرفتم و از ایشان خواهش کردم که تربیت کودکان من را به عهده بگیرند و او دست محبت خود را از آنان برمی‌داشتند و در تربیت پسر ابوالفضل (س) ساعت‌ها متحمل زحمت می‌شدند.

پس می‌بینیم پسر امیر مؤمنان (ع) و برادر امام حسن و امام حسین (ع) و تحت تربیت حضرت زینب کبری (س) بودن چه نتیجه و ثمری را به بار می‌آورد که در کربلا حماسه می‌آفریند و چنان پایداری در راه خدا و دین و قرآن و امامت را به نمایش می‌گذارد که انسان علی‌رغم تحریف‌هایی که از عملکرد ایشان شده به عشق و درک واقعی دین پی می‌برد. ایشان در روز عاشورا وارد رود فرات شدند و قسمتی از آیه‌ی شماره‌ی ۲۴۹ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره را تلاوت کردند که اشاره است به یاران با وفای طالوت در جنگ جالوت، سپس فریاد زدند که تشنگان حقیقت حتی مستی آب هم نخواهند نوشید تا باطل را نابود کنند و تشنگی آنان با نابودی باطل با شراب شیرین حق پایان می‌یابد.

در این روزهای مبارک ضمن عرض تبریک و تهنیت به پیشگاه امام عصر حضرت بقیةالله ارواحنا لک الفدا (عج) از خداوند متعال در شناخت حق و باطل یاری می‌طلبیم و تقاضا داریم ما را در یاری امام عصر خود پایداری و در راه حق استواری عطا فرماید.

در خاتمه سلامی دوباره می‌گوییم بر مخلوقاتی که آمدنشان باعث نشاط زمان بود و رفتنشان موجب دلگیری آن.

آمین یا رب العالمین

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۵ مرداد ۸۹

خطبه‌ی ولادت حضرت مهدی (عج)

حمد و ستایش خداوند بزرگ و بخشنده و ارجمند و دانا و حکیم را سزاوار است خداوندی که شنونده و دانای نهان‌ها، عالم به اسرار وجودها، پوشاننده‌ی عیب‌ها، برطرف‌کننده‌ی گرفتاری‌ها، درگذرنده از خطاها، مونس تنهایی‌ها، آرامش دهنده‌ی قلب‌ها، منجی اندوه‌ها، هدایت کننده‌ی انسان‌ها، روشنی‌بخش دل‌ها، گشاینده‌ی گره‌ها و آفریننده‌ی آسمان‌هاست. پس بار الها حمد و ستایش مخصوص توست، نیست معبودی جز تو و تو را حمد و ستایش می‌کنیم به شمار ستاره‌های آسمان، ماهی دریاها، دانه‌ی گیاهان و شن‌ها، برگ درختان و پرندگان و انسان‌ها. چون تویی رهنما و هدایت کننده‌ی گمراهان و خداوندا تویی خالق و برگزیننده‌ی پیامبران، مخصوصاً آخرین ایشان حضرت محمد مصطفی (ص) که کامل کننده‌ی نعمت و رحمت و هدایت و دین تو بود، پس درود فرست بر ایشان و خاندان پاکش که صاحبان دستور الهی‌اند آنان که واجب گردانیدی بر ما فرمان‌برداری آنان را و شناساندی مقامشان را بر ما به خاطر فرمان‌برداری‌شان. پس بگشای به حق آنان گره از کار ما و تعجیل کن در ظهور آخرینشان و ما را روزی کن که در رکابشان باشیم و از دستوراتشان اطاعت کنیم.

پس سلام و درود بی‌پایان بر خاتم رسولان باد که همچون نوری در ظلمت اندیشه‌های باطل شعله‌ور گردیدند و جان‌های خفته در ظلمت جهل را در تربیت کتابی قرار دادند که نامش افضل‌ترین نام‌ها و هدایتش کامل‌ترین هدایت‌هاست و آنگاه فرمان داد از او و فرزندانش که جانشینان بر حق او هستند اطاعت کنید تا انوار هدایت در جانتان همواره بتابد و از فروغش شب‌های ظلمانی جهل به روزهای روشن هدایت تبدیل گردد.

امروز ماه شعبان تابید و با نور وجودش ظلمات زمین را روشنی‌بخشید و وعده‌ی پیامبر تحقق یافت آنگاه که ندای شعبان آمد رسول خدا به آسمان نگاه کرد. فرمود ای

خالق من آنگاه که وصی من به دنیا آمد بت‌های سنگی را ویران نمود و آنگاه که فرزند او بیاید بت‌های دل‌ها را بشکند و جهان را آراسته به بوی تو کند پس شعبان ماه من است چون ماهی را در بطن دارد که خورشید را در افروختن نور حق به یاری نمی‌طلبد بلکه آنگاه که به ظهور برسد انوارش جهان را تابناک کند و همگان به دین من درآیند و شمشیر حق با نوایی نام او را صدا کند که ای وارث من تیغ من آماده است تا بت‌های باطل را گردن بزند و زخم‌های چرکین زمان را با مداوای بهترین برگزیده درمان کند. بله این برگزیده رحمت و نعمت همان پرچمدار هدایت، برپاکننده‌ی کرسی عدالت، اصلاح‌کننده‌ی دین و دیانت، عصاره‌ی نبوت و رسالت، پادشاه بهترین دولت دوازدهمین اختر امامت بقیةالله اباصالح المهدی (عج) است که نه تنها منکرانش بلکه منتظرانش نیز او و دولتش را نشناخته و تصوراتی دور از حقیقت را در خود پرورش داده به آنان دل خوش کرده‌اند.

چه زیباست سخنان گهربار مادرشان حضرت زهرا (س) که فرموده‌اند: وقتی جامعه‌ی انسانی از دیدن ظاهر اولیاء محروم می‌شود به دنبال حقیقت وجودشان نمی‌رود بلکه می‌خواهد آنان را در قالب خیالش بیاورد و لمس کند بنابراین قالب‌های خیالی می‌سازد تا بتواند ارتباط روحی و قلبی با آنان برقرار نماید. درحالی‌که شادی معنای نجات دارد، پس گنه‌کاری که گناهش را ترک نمی‌کند مهمان شیطان است که هر بار او را دعوت می‌کند تا در مهمانی خیالش شرکت کند و پس از مهمانی او را از آنچه انجام داده ناامید می‌سازد و در اثر غفلت پرده‌های درونی ضخیم‌تر می‌شود پس باید عملش را در اطاعت فرامین الهی درآورد تا دریچه‌های نجات را بشناسد و از آن دریچه‌ها به آستان الهی مشرف شود و از خوان سفره‌ی رحمت بخورد.

هم‌چنین به مردم آخر زمان می‌فرمایند که سپاسگزار باید باشند که در دولتی زندگی می‌کنند که آن دولت پادشاهی دارد که همواره در بذل و بخشش دوستان خویش است و آنان را از طعام رحمت الهی می‌خوراند و بر سر سفره‌ی غیب مهمان می‌کند ولی درک وجود نازنینش مانند درک قیامت است که اگر کسی قیامت را درک کرد منتظر آن است؛ مانند انتظار دولت ظهور که قیامت صغری نام گرفته است پس

منتظران مهدی (عج) منتظران قیامت هستند و مالک یوم الدین را در جوهره‌ی وجودشان درک می‌کنند و به آن ایمان دارند پس از کرسی قضاوت هراسناک‌اند و به امامشان متوسل‌اند تا قیامت کبریِ آنان را در قیامت صغرایِ خود شفاعت کند و منتظر در قیامت باید باشند تا وجودشان برکتی جاودانه را درک نمایند پس سلام بر روزی که چونان صبح روشن و منور است. ساعاتش بر تمام ساعات غلبه دارد و دقیقه‌هایش در جانِ زمانِ خبر از ماندن دارد و در آن روز غروب معنای خویش را گم خواهد کرد و شب مانند روز از انوار فرامین حق روشن و منور است. دل‌ها در سینه‌ها مخفی نمی‌باشد بلکه آنچه در آن است گویای هجرانی طولانی و سخت است. پس دست حق را یاری کنید تا همواره مانند سایه‌ای مهربان دستتان را در دست بفشارد و از گرمی محبتش روح و روانتان بوی بهشت را احساس کند و خالقی را شاکر باشید که همواره شما را در رسیدن به بهترین نعمت‌هایش مدد و یاری می‌دهد.

پس در این روز مبارک بیایید با خود عهد ببندیم اول چهارده معصوم و امام زمان را بشناسیم بعد در شادی‌های آنان در شأن و مقامشان شاد باشیم و در غم‌هایشان غمگین.

در خاتمه دست به دعا برمی‌داریم که:

بار الها در شناخت واقعی امامت و ولایت ما را یاری فرما.

بار الها ما را از منتظران آگاه با عملکردی که رضایت تو و امام عصر باشد مدد فرما.

خداوندا ملتمسانه در این روز بزرگ از حضورت درخواست داریم که در ظهور دولت حقه‌ی امام عصر تعجیل بفرمایی.

آمین یا رب العالمین

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی شب اول رمضان

۲۰ مرداد ۸۹

حمد و ستایش خداوندی را سزاست که عجایب عظمتش پایان نپذیرد، نهایتی برای فرمانروایی‌اش نیست، خزاین رحمتش فنا نشود و دیدگان از دیدارش فرومانند، هر عظمتی در برابر عظمتش حقیر است و هر نهانی پیش او آشکار و هر رازی برایش فاش.

پس حمد و سپاس خداوندی را که ما را به حمد و سپاس خویش راهنمایی فرمود تا شکرگزار احسان او باشیم و در برابر حمد و سپاس خویش به ما پاداش داد تا به مدد احسانش در راه خوشنودی‌اش گام برداریم که یکی از آن راه‌های سعادت، ماه خدا، ماه رمضان است، ماه بارش رحمت، ماه پاکیزگی، ماه بهار دین، طراوت شکوفه‌های مناجات، نغمه‌های روح و جان‌افزای قرآن و اشک‌های توبه که پاک‌کننده‌ی گناهان است پس پاک و منزّه است خداوند کریم و هیچ موجودی جز او نیست و حمد و ستایش و سپاس مخصوص اوست.

ماه مبارک رمضان که ساعت‌ها و دقیقه‌های آن گران‌بها و پر ارزش است اگر کسی آن را به‌درستی درک کند و بهره بگیرد به سعادت ابدی می‌رسد که امیر مؤمنان علی (ع) در این مورد زیبا فرموده‌اند: که زندگی زمین درگیر ساعت‌های آن است.

خدای بزرگ در قرآن کریم فرموده: من، شما و شب و روز و فصل‌ها و هر آنچه در زندگی شماست را جز برای درک زمان آن نیافریدم که این را بدانید چه در شب باشید و چه در روز خداوند به کارهایتان آگاه است پس باید ساعت‌ها را جز به یاد ذکر خدا سپری نکنید که هر کاری با ذکر خدا در زمان ثبت می‌شود و هرگز گذشت ساعت‌های آن را فراموش نکنید پس زمان را ذخیره کنید و هم‌چنین بانوی دو عالم حضرت زهرا (س) می‌فرمایند: در این ماه مبارک زیارت اهل قبور را زیاد بخوانید و در آن زیارت اندیشه کنید که قبرها منتظر شمایند و چه بسا که بر چشم برهم زدن شما هم از آن

اهل باشید و روزهای آن ذکر خدا کنید و در شب‌های آن سجده‌های طولانی که خداوند آمرزنده و مهربان است.

دست‌هایتان را با محبت به طرف کسان و خویشاوندانتان دراز کنید که محبت و دیعه‌ی خداوند است. دل با محبت به عرش می‌رسد و نزدیک می‌شود.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: آیا بینا با نابینا برابرند؟ بینایی دل، دیدن انوار الهی است که ورود و خروجش مانند دم و بازدم است اگر در آنچه فرو می‌بریم خداوند را یاد کنیم به یاد ورود به پیشگاه پروردگار می‌افتیم و از کارهایتان پشیمان می‌شوید و در مورد خروج هوا به یاد بیرون آمدن از قبرها در قیامت.

پس به خداوند که در سینه‌هایتان است نزدیک شوید و با او بنشینید و برخیزید و نفس بکشید تا در هدایت صراط مستقیم قرار بگیریم. هم‌چنین امیر مؤمنان علی (ع) چنین می‌فرماید که: از خانه‌هایتان به طرف خانه‌ی خدا عزیمت کنید و در تمام ساعات شب چون رشته‌ای متصل به رشته‌ی خداوند چنگ بزنید و مانند مادری فرزند مرده مویه کنید که رحمت خداوند در این شب‌ها بسیار زیاد است و به آنچه خداوند به شما روزی کرده شکر کنید و رشته‌ی محکم او که کتاب حکیم و عترت پیامبر است چنگ بزنید و پراکنده نشوید که پراکندگی وجود جز نابودی به همراه ندارد.

در موقع افطار بسیار ذکر یا فاطرالسموات را تکرار کنید و لقمه‌ی اول افطار را در احسان شهدا، صدیقین، انبیا و مرسلین به دهان بگذارید تا تبدیل به ذکر شود و از آنچه می‌خورید انفاق کنید که اموات شما نیز روزه هستند و نیاز به احسان شما دارند. قرآن کریم تا ابد بهاری است و هیچ زمان خزانی نخواهد داشت. از این‌که ماه مبارک رمضان را ماه بهار قرآن می‌نامند برای ماست که در ماه‌های دیگر انس با قرآن نداشته‌ایم. در این ماه سعی در خواندن آن می‌کنیم که متأسفانه به خواندن آن اصرار داریم و به درک مفاهیم و دستور آن توجه نداریم. بهاری که قرآن نازل نشد که با صوت و آهنگ موزون یا با عجله برای ثواب خوانده شود که در این صورت دهان و فضا خوشبو شده و خاصیت دیگری ندارد.

قرآن کریم بزرگ‌ترین اعجاز نازل شده است که انسان‌ها را نجات دهد. چه زیباست توصیف خانم فاطمه‌ی زهرا (س) که می‌فرمایند:

قرآن کریم اعجازی است که سیر در زمان را برای تلاوت کننده‌ی خود به وجود می‌آورد او می‌خواند و مرتباً به زمان‌ها می‌رود و برمی‌گردد ولی درکش برایش سخت است چون به زمان رسالت رسولان می‌رود و گاه در عذاب قوم آنان با آن قوم می‌میرد و زندگی‌اش با انتخاب باطل با آن قوم پیوند می‌خورد و درکش برایش ممکن نمی‌شود. آنان را سرزنش می‌کند و از حال خود در غفلت است آیات کتاب آسمانی قرآن کریم امت رسول خدا را در زمان‌ها سیر می‌دهد و با پیامبران آشنا می‌کند اگر تلاوت کننده‌ی آن پیوندی با رسالت آن پیامبر در وجودش احساس کند مهمان پیامبر می‌شود و پیامبر الهی از بهشتی که در عملش در آن زندگی می‌کند از او پذیرایی می‌کند مهمان خوان سفره‌ای می‌شود که طعام آن انوار حق است قوم عذاب شده الهی را لعنت می‌کند و با سرزنش از آن‌ها جدا می‌شود و به رسالت پیامبر ایمان می‌آورد. کتاب الهی را ورق می‌زند تا به رسالتی دیگر با قوم دیگر برسد و با تلاوت آیات مرتباً مهمان انبیا می‌شود و جانش شیرینی رسالت را درک می‌کند او کلمات را می‌خواند و جانش حق و باطل را از یکدیگر جدا می‌کند از عذاب‌ها نجات پیدا می‌کند و در نعمت‌ها وارد می‌شود سوره‌های کتاب الهی را با سرعت زمان آخرین پیامبر پروردگار می‌پیماید و نعمت‌های الهی در اطاعت فرامین وحی به برگزیدگان که نامش به‌عنوان سرپرست قومی در کتاب آسمانی قرآن کریم برده شده است و گاهی قوم‌ها با همراهی پیامبر خود در آن رحمت وارد می‌شوند و زندگی با رنج را به زندگی با جهل ترجیح می‌دادند تا زمانی که برای آنان مقدر شده می‌ماندند و سپس با آنچه با اختیار عقل انتخاب کرده بودند جای خود را به قومی دیگر می‌دادند تا عبرتی باشند که ثواب یا گناه و امت آخرین پیامبر الهی حضرت محمد (ص) در آستانه‌ی دَرِ رحمت الهی نشست تا هم درون را ببیند و هم بیرون را، با آگاهی از آنچه در بیرون دَر بود می‌توانست به درون احاطه داشته باشد و خود را از حوادث بیرونی دور نگه دارد و فقط تماشاگر باشد.

برادران و خواهران در اولین شب ماه مبارک رمضان و شروع قرائت قرآن کریم بیاید دست به دعا برداریم که خداوند روزی ما فرماید تا رضانی و قرائت قرآنی را با امر و خوشنودی خداوند در کنار مولا و سرورمان امام زمان (عج) شروع کنیم که لذت و سعادت واقعی است.

و در خاتمه از زبان گهربار امیر مؤمنان علی (ع) دعا کنیم که ان شاء الله حق تعالی این دعاها را برآورد:

بار الها جانهای ما را به نور صداقت و ایمان روشن بگردان.

بار الها آنچه تو و رسول تو را راضی و خوشنود می کند بر دلهای ما الهام بفرما.

بار الها قدمهای ما را در راه خوشنودی خودت و آنچه که برای ما روزی فرموده ای از تقدیرات در دنیا و آخرت استوار و پابرجا بفرما.

بار الها در این زمان که سینه ها از پرستش یاد تو دچار حیرت و سرگردانی است دلهای ما را از آن حیرت و سرگردانی نجات عنایت بفرما.

بار الها به دلهای فقیر و مسکین و بیچاره ای ما قوت عبادت بخش.

بار الها هر که در راه تو از روی پاکی و اخلاص قدم برمی دارد بر قدمهایش برکت آل ابراهیم (س) را عنایت بفرما.

بار الها ماه مبارک رمضان است و سفره ای احسان تو از نعمات بهشت گسترده، دلهای ما را بر سر آن سفره رحمت مهمان بگردان.

بار الها ما را یاری فرما تا با یاد تو همواره از خوان سفرهات بخوریم و از شراب عشقت بنوشیم.

بار الها همگی ما را از آنان که از ولی و فرزندان ولی تو اطاعت کرده اند قرار بده و دست یاری آنان را از سر ما کوتاه نفرما.

بار الها همگی آنان را که قلبشان در راه جهاد تو می تپد از یاران امام عصر (عج) و زیر پرچم «إنا فتحنا لک فتحاً مبیناً» قرار بده.

بار الها آتش خشم تو آتشی بس سهمگین و گران است این جانهای ضعیف و ناتوان ما را از آن آتش در پناه رحمتت قرار بده.

ای پناه بی‌پناهان ما را در حریم یگانگی و بزرگی‌ات پناه ده، ای پناه درماندگان، اسیران و مسکینان و ای دادرس بی‌کسان و ای یاور مؤمنان و ای یاور جهاد کنندگان، شهادت در راه خودت را بر جان‌های گنه‌کار ما روزی و انفاق قرار بده. ای عظیم‌ترین عظیمان.

آمین یا رب العالمین

اللهم عجل لولیک الفرّج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۴ شهریور ۸۹

خطبه‌ی ولادت امام حسن مجتبی (ع)

حمد و سپاس بی‌کران خداوند یکتا و توانا را سزااست که بزرگ‌تر و عظیم‌تر از آن است که او را همتایی باشد و قدرت و نیرومندی و علو درجات و رفعت حسنات تنها از اوست.

کسانی که عزت از غیر او طلبیدند به ذلت افتادند و از جز او توانگری جستند، بی‌نوا گشتند، در دنیا سرکشی و عصیان کردند و به پستی گرفتار شدند، مکر و حيله نمودند و خوار و رسوا شدند؛ و مؤمنانی که از او مدد خواستند عزت یافتند، به او توکل کردند، کارهایشان به تدبیر او ختم به خیر شد و شر از آن‌ها دفع و دشمنانشان را خدا ذلیل و خوار نمود. پاک و منزّه است خداوند عزوجل و بلند مرتبه.

و درود بی‌پایان بر خاتم انبیاء حبیب قلوب العالمین و رحمت للعالمین حضرت محمد مصطفی (ص) و بر خاندان پاکش و بر دومین نور ولایت و امامت، کریم اهل‌بیت، اسوه‌ی صبر و گذشت، بلندای رضا و شکیبایی حضرت امام حسن (ع)؛ که امروز میلاد با برکت و مبارک این امام همام است. امامی که مظلوم زیست و مظلوم و غریب در تاریخ ماند. حال مختصری از شخصیت والا و عملکرد با تدبیر و دل سوزانه‌ی ایشان را بیان می‌کنیم.

ایشان بعد از شهادت پدر بزرگوارشان امیر مؤمنان (ع) امامت مردمی را به عهده گرفتند که صد رنگ، دنیا دوست، سست عنصر و نادان بودند و معاویه و عمروعاص خدعه و نیرنگی که از زمان جنگ صفین شروع کرده بودند را به اوج خود رسانده و با تبلیغات سوء خود امام را آزار می‌دادند و به هر عیبی که در خود داشتند او را آماج تیرهای بهتان خود قرار می‌دادند، درحالی‌که با گشاده‌رویی و چابلوسی در نزد مردم جاهل رفتار می‌کردند، در خفا چونان درنده‌ای در کمین بودند و ایشان و پدرشان را کینه‌توز و قدرت‌طلب معرفی می‌کردند و خود را صلح‌طلب. با کشتار مردم در لباس علویان اذهان مردم را منحرف و با دادن پول به دوستان سست عنصر و ترور شیعیان

واقعی این هدف را داشتند که امامت و دین را کاملاً کم‌رنگ کرده و مؤمنین و شیعیان را از بین ببرند. امام حسن (ع) با علم و تدبیر و گذشت خود صلح پیشنهادی آن‌ها را که از روی حيله و تزویر بود قبول کردند و این اقدام چنان ضربتی بر آنان زد که از خشم بر خود پیچیدند و تمام نقشه‌های آن‌ها نقش بر آب شد و در همان گودالِ دامی که برای امام گسترده بودند سرنگون شدند و برای سرپوش گذاشتن بر رسوایی خود او را مسموم و شهید کردند؛ و دلیل صلح و تحمل زخم زبان‌های دوستان نادان و دشمنان حيله‌گر امام حسن (ع) را امام حسین (ع) در نهضت عاشورا نشان داد و دیدیم در آن زمان فقط خانواده‌ی امام و عده‌ی انگشت شمار شیعه واقعی وجود داشت و حاضر شدند که از دین و امامت دفاع کنند.

جد بزرگوارشان رسول‌الله (ص) امام حسن (ع) را بسیار دوست می‌داشتند و با آگاهی از افکار و عملکرد مردم زمان او به جهت آماده‌سازی برای برخورد با آنان ایشان را روی زانوان مبارکشان می‌نشاندند و آیه‌های کریمه‌ی سوره‌ی توبه که در مورد چهره‌های صد رنگ منافقین بود را برای ایشان تلاوت می‌فرمودند و هرساله در چنین شبی در نیمه‌ی ماه رمضان در مدینه مخصوصاً در منزل پیامبر جشنی بر پا می‌شد و ایشان همه را به افطاری مهمان می‌نمودند و نوه‌ی عزیز خود امام حسن (ع) را بر روی زانوان مبارک خود می‌نشاندند و هر کس که از در وارد می‌شد برایش آیه‌ی کریمه‌ی مودت به اهل‌بیت را تلاوت می‌فرمودند.

حال ما نیز برای اینکه در آن مهمانی شرکت کنیم و از خیر و برکت آن افطاری بزرگ بهره‌مند شویم پنج بار به نیت پنج تن این آیه را قرائت کنیم، امید است این مودت مورد قبول رسول خدا (ص) و اهل‌بیتش مخصوصاً امام عصر (عج) قرار گیرد.

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ اجْرًا إِلَّا مَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ. مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ اجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ»

بگو من از شما برای رسالت خود مزدی نمی‌خواهم جز دوستی خویشانم؛ و آنچه مزد از شما خواستم آن هم به سود شماست.

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۷ شهریور ۸۹

توضیح مناجات مسجد کوفه

خواهران و برادران، شیعه سعادتمند و غنی است چون نه تنها ذخیری بس بزرگ در کسب علم، کمال، توحید، ایمان، تقوا و عرفان دارد بلکه برای تربیت قلبی و کلامی و حضوری در دعا و مناجات با خداوند را داراست. این ثروت بی نظیر که وسیله نجات و کمال است را از وجود مقدس امامان کسب کرده. متأسفانه شیعه از آن‌ها به درستی بهره نمی‌گیرد که باید در این مورد تجدید نظر کرد، چون دعاهایی که توسط امامان خوانده شد و ثبت شده، جامانده در هر کلمه‌ی آن رحمی و نکته‌ای بیان گردیده که با تفکر و اندیشه در مورد آن‌ها می‌توان هم تربیت ایمانی پیدا نمود و هم تربیت کلامی در بیان مناجات و خواسته‌های خود با خداوند را کسب کرده که در این مورد مولا علی (ع) بیشترین، زیباترین و کارسازترین‌ها را دارند؛ که امشب هم در شروع مراسم احیاء یکی از آن‌ها را که مهمان مناجات مسجد کوفه است را می‌خوانیم.

در این مناجات مولا آیات مربوط به روز قیامت را چنان بیان می‌کند که این اطمینان و برداشت می‌رود که مولا به‌طور حتم آن صحنه‌های عظیم و بزرگ را به عینه دیده و با تمام وجود احساس کرده است؛ و از سنگینی و وحشت و عذاب آن به وسیله‌ی اسماء الهی به خود خداوند پناه برده‌اند؛ که قسمت‌هایی از معنی آن را می‌خوانیم:

بار خدایا مولای من از روز سختی که هر گنه‌کار بی توبه سر انگشت به دهان گرفته، می‌گوید ای کاش از آنچه خداوند توسط رسولش به من دستور داده بود اطاعت می‌کردم و گنه‌کاران را تا چهره سیاه شده از موهای سرشان گرفته به طرف آتش می‌برند به تو پناه می‌برم؛ و از روز سختی که آدمی همه کسانش از او گریزان هستند حاضر است همه آن‌ها و مال دنیایی خود را فدا کند که شاید از آتش نجات یابد ولی از او پذیرفته نمی‌شود به تو پناه می‌برم.

بار الها از روز سختی که پدر، مادر، برادر، فرزند و همسر همه از انسان گریزان اند و عذرخواهی هیچ گنه کاری پذیرفته نمی شود. خدایا مولای من به تو پناه می برم و از تو امان می خواهم.

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۷ شهریور ۸۹

دل نوشته‌ی شب ۱۹ رمضان شب قدر

عزیزانی که در این شبِ قدر در این خانه‌ی بلند و ارجمندِ امام عصر حضرت مهدی (عج) حضور دارید بیایید چراغ‌ها را خاموش کرده تنها به خود و خدای خود فکر کنیم و با تمام وجود حس کنیم لطف و احسان و بنده‌نوازی خدا رو. دل نوشته‌ای خوانده می‌شود که مطمئن هستیم حرف دل همه‌ی شماست پس خوب دل و درون خودتان را به آن وصل کنید.

الهی، خدایا، خدای من چراغ‌ها رو خاموش کردند، فکر عجیبی دارم دلم می‌خواد چشامو ببندم و احساس کنم شب اول قبرمه. منم و تو، هیچ کسی نیست. معنی مضطر یعنی درمانده و بی‌کس رو با تمام وجودم حس کنم، کسی که همه تنهاتش گذاشتند، دستش از همه جا کوتاهه با قلبم حس کنم که فقط تو رو دارم و بس، فقط تو. اون وقت چی کار کنم با این همه گناه و کوله باری از معصیت و روسیاهی که دیگه راه برگشت نداره و کاملاً درموندست.

خدایا چی کار کنم، با تو حرف بزنم؟ چه جوری؟ فریاد بزنم یا گریه و ناله زاری کنم؟ چه جوری شروع کنم؟ اصلاً چی بگم که از اون خبر نداشته باشی؟

اما دوست دارم از گناهام بگم و ازت طلب بخشش کنم خدایا، اما از سه چیز خجالت می‌کشم، اولیش این که تو انجام دستورات کوتاهی کردم. دوم بهم گفתי گناه نکن و کردم. سوم، خدایا بهم نعمت فراوان دادی و من شکر نکردم. خجالت می‌کشم خدا.

اما خدای بزرگم بین این منم، این منم که در پیشگاهت به خاک افتادم و با صدایی از سر عجز می‌گم:

ای فریادرس گناه کاران و درماندگان

ای آرام دل وحشت زدگان

ای پناه دهنده‌ی بی‌پناهان و ای مهربان‌ترین مهربانان، شرم‌گینم و روسیاه، عاجزم و ناتوون، درمونده‌ام و بی‌کس. چی کار کنم؟ خدایا بگو چی کار کنم؟

اگه گریه بکنم می‌بخشی تا از چشم سیل جاری کنم؟ اگه دعا و التماس کنم من و می‌بخشی تا این‌قدر صدات کنم تا زبونم بند بیاد؟ خدای من، اگه صورتم و به خاک بزارم جوری که با خاک یکی بشه بهم نظر می‌کنی تا این کارو بکنم؟

اما تنم می‌لرزه یه لحظه چشمو واز می‌کنم، هنوز زنده‌ام، هنوز نفس می‌کشم، خدای من، امیدوار می‌شم، چون خودت گفتی ادعونی استجب لکم، بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را.

پس ای خدا می‌خوفتم، صدات می‌زنم که از کارهای زشتم بگذری، رسوا و جزا و عذابم نکنی، مهربونی کن به من آقا و مولای من، منم بندت، منم بنده‌ی روسیاهت، بنده‌ای که بریده چاره‌اش از غیر تو، ای خدا، ای منتهای آرزوهایم، امید به کسی غیر تو ندارم. قبر، این است منزلگاه و جایگاه آخر من. ای معبودم ای کاش می‌دونستم چه جوری باهام رفتار می‌کنی، جوابو میدی یا نه؟ تنه ضعیفم می‌لرزه وحشت و دلهره دارم.

خدایا آیا اون‌قدر عهد و پیمان شکوندم که دیگه جوابو نمی‌دی؟ نگام نمی‌کنی؟ یعنی دیگه قبول نمی‌کنی و روتو ازم بر می‌گردونی؟ پس وای به من، وای به من و بیچارگی و خواری و بدبختیم. به کجا پناه ببرم؟ موقعی که تو ترکم کنی به کی امیدوار بشم؟ پس وای به من.

اما خدای مهربونم من غیر از اینا ازت شنیدم و دیدم، سریع‌الرضایی یعنی زود از بنده‌هات راضی میشی. فراغ عفو رحمتت به اونایی هم از درگاهت درخواست نمی‌کنند هم شامله. پس چطور می‌شه، خدایا چطور می‌شه منی که تمام امید و عشق و پناهم تو هستی برام دل نسوزونی و از کرم و لطفت بهم نظر نکنی؟ نه خدایا این‌طور نبوده و نیستی.

پس خدای من امیدوارم، خیلی هم امیدوارم، درسته که عملی یا کرداری که روی درخواست و توجه و عنایت تو داشته باشم ندارم؛ اما با تمام وجود می‌پرستم،

می‌دونم و اطمینان دارم بهم نظر و عنایت داری و منو دوست داری که اگه این طور نبود تو این شب قدر تو خانه‌ی امام عصر چی کار می‌کردم؟ پس مطمئنم تو دعوت‌م کردی و به درد و دل عاشقونه‌ی من که امیدوارم از روی اخلاص باشه گوش میدی پس منم می‌گم که:

بار الها ای محبوب من. چگونه مرا خواندی درحالی‌که لحظات حیاتم در ضربان‌های غفلت از یاد تو سپری گشت و زیبایی‌های زودگذر مرا شیفته‌ی خود نمود و آرزوهای فرداهای دور مرا در خود پیچید و آنگاه که به ستایش تو ایستادم از نام بزرگ تو محافظت نکردم و آن را به هوس‌های زودگذر آراستم، ولی تو مهربان‌تر از آن بودی که مرا مورد خشم خود قرار دهی، بلکه مرا به محبت خود نواختی، پس چگونه تو را سپاسی گویم و منتظر رحمتت مانم که برایش سجده‌های طولانی نکردم و کمر بندگی در اطاعت آن نبستم یاریم کن ای خالق من تا به خطاهایم اعتراف کنم و تو را سپاس گویم. ای رب من و خدای من چگونه مرا در به خاک افتادن در برابر قدرتمندی خود می‌بینی و کوچکی و خردی‌ام را به من گوشزد نمی‌کنی؟ بلکه مرا مورد لطف و احسانت قرار می‌دهی و مرا آزاده و بزرگ می‌شماری. چگونه تو را ستایش و سپاس گویم؟ آیا در سینه‌ی من قلبی آفریده‌ای که گنجایش این مقدار محبت را داشته باشد؟ ای خالق ضربان‌های حیاتم آن‌گاه که امر می‌فرمایی تا ساعت وجود از حرکت بایستد و آن‌گاه مرا در حیاتی دیگر حیات مجدد می‌بخشی درحالی‌که من هنوز فرصت شکر این حیات را ندارم. مرا در زندگی دیگر از نعمت‌ها بهره‌مند می‌سازی.

پس یاریم کن تا تربیت حضور داشته باشم و به خردی و کوچکی‌ام ترحم کن که سر به سجده‌ی تو دارم.

یا ارحم الراحمین، یا ارحم الراحمین

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی شهادت امام علی (ع) شب ۲۱ رمضان شب قدر ۹ شهریور ۸۹

بار الها، بزرگ است فرمانروایی تو و بلند است جایگاه و مکانت، آشکار است امر تو، غالب است قهر تو، جاری است قدرتت و احاطه است بر همه چیز تواناییات و بیرون آوردی بامدادان را و روشنایی بخشیدی تاریکی شب را به روز، محکم ساختی آفرینش زمین و آسمان را، شکر و سپاس بی‌کران از آن توست.

این حمد و ستایش که گویایی علم و یقین و باوری بس بزرگ است از آنچه کسی غیر از حیدر کرار، مولای متقیان، امین و ولی و حجت خدا، پرچمدار پرهیزکاری، وصی بر حق پیامبر، دروازه‌ی علم، معدن حکمت و کمال امیر مؤمنان علی (ع) می‌تواند باشد؟ که وجود مبارکش را نادانان و دنیا پرستان و منافقان و بی‌ایمانان گرگ صفت پس از سال‌ها آزار و اذیت و شکستن قلبش فرق سرش را شکستند و وجود گهربار او را به شهادت رساندند. لعنت الله علی قوم القاصبین و الظالمین.

امیر مؤمنان (ع) دارای فضائل و حسناتی بی‌نظیر و در حد کمال بودند، هر چیزی و نکته‌ای از علم و تدبیر و توحید و ایمان را می‌توان در ایشان سراغ نمود که توصیف هر کدام مثنوی صد دفتر است ولی هیئات و صد هیئات که کوردلان خورشید را دیدند و انکارش کردند. چه زیبا فرمودند حضرت زهرا (س) که: امیر مؤمنان روی زمین زندگی می‌کردند که اهل آسمان او را می‌شناختند و با او انس داشتند، ولی اهل زمین در خودخواهی و خودبرتر بینی از چتر حمایت او دور می‌شدند و راه هدایت را به راه شیطان مبدل می‌کردند و با آن خود را به نابودی می‌کشاندند.

این فرموده چه حق و زیباست چون مردم آن زمانه فضائل و توجهات خاصه‌ی خداوند و پیامبر را به علی (ع) می‌دیدند اما خودخواهی و دنیاپرستی چشمانشان را کور کرده بود، همگان دیدند فاطمه بنت اسد وارد کعبه شد و پس از سه روز از همان شکاف دیوار بیرون آمد و حضرت محمد (ص) را صدا زد و گفت: بیا امانت تو را آوردم آن را در آغوش بگیر. پیامبر آن چنان او را در آغوش گرفت که بادی برخاست و پارچه‌ی کعبه

را از روی آن بلند کرد و در آسمان چرخاند و روی سر پیامبر انداخت. او پارچه را روی کعبه کشید و حضرت علی (ع) را به مادر داد و به صدایی که همگان شنیدند فرمود: امروز حق بر باطل پیروز شد و بت‌ها و بت‌داران به عزای خدای دروغین خود نشستند و ابراهیم دوم متولد شد. ابوجهل جلو آمد و گفت محمد حرف‌هایی می‌زنی که باید مجازاتی سخت‌تر داشته باشی و همگی رفتند. برادر ابوطالب از پیامبر (ص) پرسید: ای پسر عبدالله چه می‌بینی در این نوزاد؟ او گفت عزت و جلال بندگی را، او مرا یاور است و پروردگارش را بنده‌ای محبوب، سپس به غار حرا رفت و دیگر کسی او را ندید.

امیر مؤمنان پرورش یافته‌ی پیامبر و اولین مرد مسلمان بود که در تمام جنگ‌های پیامبر شرکت نمود و با رشادت‌های او پیروزی نصیب مسلمانان می‌شد و آیات زیادی در شأن ایشان نازل شد که یکی از آن‌ها در روز غدیر بود که جای هیچ‌گونه انکاری در آن نیست اما آن مردم همه‌ی این‌ها را نادیده گرفتند که امیر مؤمنان در این مورد می‌فرمایند: که دست بیعت با امامت شیرینی خاصی دارد که این مردم شیرینی آن را به زهری خطرناک تبدیل کردند و آن زهر در جان‌شان آن‌چنان اثر کرد که نجات از آن ممکن نشد و مرگ در وجودشان نمایان شد و تلاش من برای نجات ایشان بی‌حاصل ماند و آنان مردند و بدنی مسموم را به قیامت می‌آورند تا مسموم آن با آتش بسوزد و پاک شود و سال‌ها می‌گذرد و بیعت‌کنندگان آینده‌ی ولایت نام مرا دوست می‌دارند ولی دست مرا نمی‌گیرند از آن می‌ترسند دست‌ان‌شان را مخفی می‌کنند و نام مرا برای بیعت صدا می‌زنند و بیعت با صدا مانند نوایی در باد است که باد فقط باعث تکرار آن است و اثر دیگری ندارد ظلم در نام من محو و نابود می‌شود و ظالم با نام من دچار عطش قیامت خواهد شد.

برای درک بهتر این موضوع از سفارشات حضرت زهرا (س) مدد می‌جوییم که فرمودند: بسیاری از بندگان خدا می‌اندیشند که خالقشان کیست؟ که از ترس خشمش باید او را بپرستند و عبادتش کنند در نتیجه متوسل به فرستادگان الهی می‌شوند تا آنان را از این خشم نجات دهند. به دنبال فرار هستند نه ماندن، می‌خواهند از دنیایی که آن را

نمی‌شناسند بگریزند و سپری برای گریختن می‌جویند و مرتباً آن سپر را در مقابل خیالاتشان می‌گیرند تا قلبشان مطمئن شود که در آخر با بردن نام اولیاء نجات می‌یابند، ولی قرآن کریم می‌فرماید: آنان بین کفر و ایمان سرگردانند و راه را نمی‌توانند بیابند. معنی عشق را درمی‌یابند، تمنای دنیایی را دنبال می‌کنند و لذت بسته شدن به طناب عشق را در نمی‌یابند و هر لحظه توحیدشان در خطر از بین رفتن است درحالی‌که شیعیان واقعی سخنان امیر مؤمنان را مانند وحی الهی اطاعت می‌کردند و یقین داشتند که آنچه امیر مؤمنان می‌گوید همان است که خداوند کریم می‌گوید اگر در هر زمان هر کس از بندگان خداوند کریم بتواند آن‌چنان زندگی کند که امیر مؤمنان را رهبر و اولیا خود قرار دهد می‌تواند با سایه‌ی او یعنی امام عصر خود که برگزیده‌ی آخرین است، همراه و هم‌سفر شود و اگر سایه‌ی امیر مؤمنان را ندید خود امیر مؤمنان را در طول حیات زمینی‌اش ببیند، امام را الگو قرار دهد و دست به‌طرف سایه‌ی او دراز کند و از زندگی زمینی جز به رضایت الهی و مدد مأمور او خارج نگردد، در زمان غیبت آخرینشان، یعنی حضرت مهدی (عج)، انسان‌ها می‌توانند با فرامین قرآن کریم و هدایت باطنی امام خود نفس اماره را بکشند که جهاد اکبر است و جهاد با کافران عصر یا منافقین ظاهری و باطنی نیاز به حضور فیزیکی و فرمان امام عصر دارد و این فرمان را همه با گوش‌های ظاهری باید بشنوند و اطاعت کنند و شنیدن در باطن فقط می‌تواند باعث کشته شدن نفس اماره شود تا جامعه بتواند در سایه‌ی جهاد این افراد به زندگی سالم برگردد پس وظیفه‌ی آن‌ها در دوران عمر مراقبت از حریم عقل است که باید با اولیاء پیوند محکمی داشته باشد تا بتواند چراغ روشنی گردد هم برای خود و هم برای دیگران.

پس در می‌یابیم که مولا امیر مؤمنان (ع) را جاهلان و هواپرستان و عهدشکنان سال‌ها قبل از این‌که فرقه‌ی را بشکافند قلبش را زخم زدند و آن زخم نه به خاطر این بود که آن‌ها عهدشان را شکستند و امامت او را بعد از رحلت پیامبر (ص) به دسیسه‌ی عده‌ای منافق و حسود و هواپرست ولایت حقه‌اش را که خداوند متعال به وسیله‌ی رسول گرامی‌اش به او عنایت فرموده بود را نادیده گرفتند، بلکه به خاطر ظلمی که در حق بشریت تا ظهور آخرین فرزندش مولا امام زمان (عج) نمودند بود که اگر بلافاصله بعد

از پیامبر تا ۳۰ سال بقیه‌ی عمر مبارکشان را بر امامت حقه‌ی خود بودند ریشه ظلم و ظالم خشک می‌شد و تا قیامت فرصت رشد پیدا نمی‌کرد که اگر بشریت در حال حاضر دچار ظلم و ستم است باعث آن مردمان کوردل آن زمان هستند. خداوند لعنت کند آن‌هایی را که بنیان ظلم به امیر مؤمنان و فرزندان‌شان و کل انسان‌ها را نهادند. مولا با وجود ناسپاسی آن‌ها قلب مطهر و مهربان‌شان برای نادانی آن‌ها غصه‌دار بود و تنها همدمش همسر گرامی‌اش حضرت زهرا (س) بود که او را نیز آن مردم پست شهید نمودند و حزن و اندوه این جنایت تا آخر عمر همراه مولا بود و در بین مردم غریب زندگی می‌کرد و برای پیوستن به پیامبر و حضرت زهرا (س) لحظه شماری می‌کرد و شدت این دل‌تنگی را می‌توان در اولین جمله بعد از ضربت خوردن‌شان درک کرد که فرمودند: به خدای کعبه رستگار شدم و پس از آن چون حزن و اندوه و اشک شیعیان را دیدند دست‌های خود را به آسمان بلند کردند و فرمودند: بار الها از آنچه از فرق علی جوشید و بر زمین ریخت جز یاد و ذکر تو نبود پس هر که را که برای فرق علی گریست در رحمت جوار ذکرت جای بده که بهای دل‌شکسته را جز خالق ندهد.

بار الها ما را از پیروان واقعی و شیعیان راستین امیر مؤمنان علی (ع) قرار بده.

خداوندا همان‌گونه که بر ما منت گذاشته شناخت و محبت امیر مؤمنان (ع) را عطا فرمودی آن را تا لحظه‌ی مرگ برکت عنایت بفرما.

بار الها دشمنان علی (ع) که با دشمنی و کشتار شیعیان بغض و کینه‌ی خود را عیان می‌کنند خداوندا نابود بگردان و باطل را نابود و حق را استوار بگردان.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۱ شهریور ۸۹

خطبه‌ی شب ۲۳ رمضان شب قدر

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ
تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»

شب قدر که افضل‌تر از هزار ماه است شب تا سحر فرشتگان و روح فرشته مقرب سلام و تحیت بر زمینیان می‌آورند و قرآن کریم در این شب نازل شد. تو چه دانی که شب قدر چیست؟ آن روشنایی است که راه می‌نماید و بشارت می‌دهد که وعده‌ی خدا حق است.

سلام بر جان‌هایی که مهمان خالق خویش هستند تا از خوان سفره‌ای بخورند که آن را می‌شناسند، غذایش را در جان‌های خویش به ودیعه دارند و آنچه با خود از آن سفره خواهند برد غنیمت عمرشان خواهد بود که در قیامت سفره‌ی احسان الهی آن را طلب خواهد نمود، آنگاه جان‌های مهمان به سخن خواهند آمد و پاسخ خالق خویش را این‌گونه خواهند داد: ای پروردگار ما آنگاه که مرا خواندید تا مهمان لحظه‌های شما باشم من آن لحظه‌ها را با امیال خویش آمیختم پس هضم غذای شما برایم دشوار شد، بیمار شدم و با داروی شفابخشان که بخشش بی‌منتهایتان بود شفا یافتم و اکنون غنیمت خویش را در سفره‌ی احسان رمضان که در مقابلم است می‌بینم و شکر و سپاسی را که شما به من آموختید در جانم افروختم تا نورش را در ظلمات قیامت فرا راه خویش گردانم.

در این شب رسول‌الله (ص) و اهل‌بیت گرامی‌اش در مسجد تا سحر در حال توبه بودند و خداوند بزرگ عنایت به وجود مقدسشان می‌کردند و دسته دسته گنه‌کاران را از آتش نجات می‌دادند. وجود مقدس پیامبر (ص) که حامل وحی است از هر سو در احاطه‌ی فرشتگان بود و همه دست‌ها را بالا می‌بردند و مرتباً می‌گفتند: الهی بِمُحَمَّدٍ الهی بِمُحَمَّدٍ و بوی وحی از دهان مبارک رسول خدا عالم را مطهر می‌کرد و ایشان با صدای دل‌نشین می‌فرمودند: (الغوث امتی یا رب) خدایا به فریاد امتم برس.

چون منزلت قدر در توبه‌ی پیامبر بود، نزدیکان عبا‌ی پیامبر را می‌گرفتند و می‌گفتند ای حامل وحی، خدایا به امت گنه‌کار رحم کن و ذکر «الهی به قرآن مبین» و ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا الْمَطْهَرُونَ» را تکرار می‌کردند.

از بزرگی شب قدر که فراتر از اندیشه و تصور است همین بس که خداوند به پیامبر (ص) فرمود که تو چه دانی که شب قدر چیست؟ در این شب تقدیرات هر کس نوشته شده به رؤیت امام عصر می‌رسد که البته در مورد نوشته شدن تقدیرات تصویرهایی وجود دارد که مغایر با واقعیت است و برای درک درست موضوع از سخنان گهربار امیر مؤمنان (ع) در این مورد مدد می‌جوییم که فرمودند: همه چیز در آفرینش در کتاب مبین مشخص شده است آنچه که نامش تقدیرات است عمل من است و انتخاب تقدیرم به دست عاقلم است. آنچه را به‌عنوان ثواب و گناه انجام می‌دهم با اراده و میل باطنی خودم است. پس قلمی که امشب تقدیر می‌نویسد خودم هستم که تقدیرات خوب و بد را برای خودم تقدیر می‌کنم. اگر دنبال نفس بروم نتیجه‌اش معلوم است و اگر به دنبال خدا بروم آن هم نتیجه‌اش معلوم. ولی توبه‌کنندگان امشب نامشان در صحیفه نور نوشته می‌شود و در پیشگاه پروردگار به‌طور امانت نگهداری می‌شود تا در قیامت به فریاد صاحبش برسد. خداوند به همان رشته‌ی باریک خرما سوگند خورده است که به کسی ستم نشود پس باید عقل را از گرد و غبار غفلت پاک کنید و در مورد حساب‌های زندگی‌تان بررسی و رسیدگی کنید.

خواهران و برادران بیایید از این شب و از این فرصت استفاده کنیم با اخلاص تمام انشاء الله توبه‌ای کنیم که مورد قبول خداوند کریم باشد هم‌چنین چون کارنامه‌ی عمل همه‌ی انسان‌ها به حضور ولی و صاحب زمان امام عصر ارواحنا لک الفدا (عج) عرضه می‌گردد. به خدا پناه می‌بریم از این‌که وجود مبارکش از رؤیت عملکرد ما مکدر و غمگین شوند. پس قبل از سحر چنان توبه و توسل کنیم که خدای رحمان کارنامه سیاه عمل ما را قبل از ارائه به خدمت ایشان پاک و سفید نماید. هم خود را نجات دهیم و هم امام عصر را از خود راضی و خشنود نماییم. ساعت‌ها بسیار بزرگ و ارزشمند است، چون در شب بشارت سوره‌ی انا انزلنا در آسمان می‌پیچد و ارواح مؤمنین دعا

می‌کنند تا با برکات کریمه‌ی آن همراه شوند ولی نمی‌توانند، چون آنچه روزی زمین است باید به صاحبش برسد یعنی من و شما. پس از این فرصت خوب استفاده کنیم قبل از اینکه دیر شود.

خدایا، مولای من، ای خالق زیبایی‌ها، ای بشارت دهنده‌ی شب قدر به بندگان، آیا چشم درونی من قادر است تا آبشار وجودی‌ام را ببیند یا محدود است به دیدن آنچه آفریده‌ای؟ اگر محدود باشد به ظاهر آنچه آفریده‌ای پس چگونه به عرش تو بالا بیایم و خالق خویش را در جلالتش نظاره کنم؟ چگونه با غیب تو درآمیزم و تو را در شریان‌های وجودم احساس کنم؟ آیا ریزش آبشار اشکم مرا به تو خواهد رساند؟ ای خالق من، روح من قادر است تا در ملکوت وجودی‌ام تو را به من بنمایاند؟ پس کمکم کن تا سپاسی در خور بارگاه با جلالت تو داشته باشم. ای ارحم الراحمین.

در خاتمه دست‌ها را بالا می‌بریم و با زبان و مناجات مولایمان امیر مؤمنان (ع) دعا می‌کنیم که از برخورداران بشارت‌های این شب بزرگ باشیم. ای آفریننده‌ی زینت آسمان‌ها از آنچه امشب به سوی بندگان از برکات آسمان‌ها فرستادی و آنان را بشارت به بخشش دادی ما را هم از آن بخشش محروم نفرما.

ای آفریننده و اراده‌کننده و رقم‌زننده‌ی کارهای صالحین و شهدا و صدیقین عمل ما را به باورهایمان روشن و منور بگردان و معرفت ما را در استجابت دعایمان قرار بده و آنچه که از زمان درک نکرده‌ایم درکش را برایمان آسان بگردان.

شب بیست و سوم هم تمام شد و در سایه‌ی ساعت‌ها گم شد همه‌ی ساعت‌ها تمام خواهد شد و به یک ساعت منتهی می‌شود. آن ساعت قیامت است. به مؤمنین و مؤمناتی که در این ساعت‌های زودگذر همواره در توبه هستند خداوند اجر و مزدی نیکو خواهد داد ان شاء الله.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی عید فطر

۱۹ شهریور ۸۹

بار الها زبان‌ها از حمد و ستایش تو عاجز و دیده‌ها از دیدن عظمت تو نابینا و عقل‌ها از شناخت و معرفت تو حیران و پاها از ایستادن در برابر تو لرزان و سینه‌ها از رحمت تو فروزان و دل‌های عاشقان و عارفان چون آتشی سوزان. پاک و منزهی و سپاس و ستایش از آن کبریایی توست، خدایا ای پناه پناهندگان، ای نجات‌بخش به هلاکت افتادگان از گناه، ای ترحم کننده به مسکینان، ای اجابت‌کننده‌ی دعای پریشانان، ای گنجینه‌ی فقیران و ای پیوند دهنده‌ی دل‌شکستگان، ای یاری کننده‌ی ضعیفان، ای فریادرس ستمدیدگان؛ ماهِ رمضان، ماهی که در آن سفره‌ی احسان تو گسترده و رحمتِ واسعه‌ی تو همه را در بر گرفته و نعمت بی‌کران و بی‌دریغت بر مؤمنان بارنده بود به پایان رسید. خدایا از تو می‌خواهم که از نسیم رضایت خود نصیبم گردانی و نعمت‌هایی را که بر من منت نهادی ادامه دهی. من اکنون به در خانه‌ی کرمت ایستاده‌ام و در معرض نسیم الطافت درآمدم و به ریسمان محکم تو چنگ زدم. خداوندا به من رحم کن، رحم کن به این بنده‌ی خوارت که با عملی اندک ماه رمضان را گذرانده. با بخشش‌های فراوانت بر او منت گذار و در زیر سایه‌ی بلندت پناهم بده. آمین!

بار الها به این بنده‌ی حقیر و گنه‌کار و عاشق که به امر تو در روزهای این ماه دهان خود را به روزه بسته و شب‌ها به ذکر و ستایش تو باز کرده، چشمانش را به معصیت بسته و با پشیمانی و توبه آن‌ها را پر از اشک کرده؛ پس اکنون از کوتاهی و قصور نادم و پریشان و لرزان است رحم کن. من تو را شکر می‌کنم که فرصت مناجات و توبه عطایم کردی، ای رحمان و ای رحیم و ای سریع‌الرضا که از بندگان زود راضی می‌شوی و از گناهانشان می‌گذری.

خداوندا حال نمی‌دانم توبه‌ی مرا قبول کرده‌ای و کارنامه‌ی سیاه عملم را پاک کرده‌ای و این جهد و کوشش به‌طرف خشنودیات و شب‌زنده‌داری و عبادت و روزه‌داری من

را پذیرفته‌ای یا نه. نمی‌دانم، ولی خداوندا قلبم چنین گواهی می‌دهد که تو بر من منت گذاشته و با من مهربانی را تمام کرده و من را بخشیده‌ای، ولی باز می‌ترسم از این که از سر سفره‌ی احسانت دست خالی بلند شوم و از این هم می‌ترسم که دست پر بلند شوم زیرا در آیه‌ی ۹۲ سوره‌ی نحل، زنی را مثال زدی که پس از این که پنبه‌ها را بافت آن‌ها از هم گشود و قطعه قطعه کرد چون این آیه مثال کسی است که در آیه‌ی ۹۱ چنین فرمودی: چون با خدا پیمان بستید بدان وفا کنید و چون سوگند خوردید آن را مشکنید که خدا را ضامن خویش کرده‌اید او می‌داند که چه می‌کنید.

بله خدای من می‌ترسم، چون در ماهِ رمضان و در شب‌های قدر آن با شما عهد و پیمان بستم که از گناهان توبه کنم و به راه نفس و شیطان نروم و تو را به خودت و چهارده معصوم قسم داده و ضامن قرار دادم، می‌ترسم از نفس و عملم که با شکستن عهد خود رشته‌های بافته شده در ماه رمضان را با گناهان و سستی خود قطعه قطعه کنم، به تو پناه می‌برم.

ولی ای خدای رحیم و رحمان تو به بندگان آگاهی و نفس بد و سستی آن‌ها را خوب می‌شناسی و با قرآن کریمت همه نوع چاره و راه کار را برای هدایت آن‌ها تذکر دادی، در آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی احزاب چنین فرمودی: آنچه را که در خانه‌هایتان از آیات خدا و حکمت تلاوت می‌شود یاد کنید که خدا باریک‌بین و آگاه است؛ که اگر چنین کنیم صفات کسانی را پیدا می‌کنیم که در آیه‌ی ۳۵ سوره‌ی احزاب در مورد آن‌ها چنین فرمودی: خدا برای مردانِ مسلمان و زنانِ مسلمان و مردان مؤمن و زنان مؤمن و مردان اهل طاعت و زنان اهل طاعت و مردان راست‌گوی و زنان راست‌گوی و مردان شکیبا و زنان شکیبا و مردان خداترس و زنان خدا ترس و مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده و مردان روزهدار و زنان روزهدار و مردانی که دامن عفت خود را حفظ می‌کنند و زنانی که دامن عفت خود را حفظ می‌کنند و مردانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند خداوند آمرزش و مزدی بزرگ آماده کرده است. خدایا یاری فرما ما نیز دارای چنین صفاتی باشیم.

ضمن عرض تبریک و تهنیت و آرزوی قبولی طاعات و عبادات شما عزیزان می‌خواهیم ان‌شاءالله با زبان شما با مولا و سرورمان امام زمان (عج) صحبت کنیم.

امام ما، سرور و مولایمان عید بر شما مبارک باشد ای بهترین روزه‌دار، سلام بر مناجات سحرهایتان، سلام بر دهان روزه‌دارتان، سلام بر دعای افطارتان، سلام بر اولین لقمه‌ی افطارتان، سلام بر شب زنده‌داری‌هایتان، سلام بر احیاء شب قدرتان، سلام بر نماز و رکوع و سجود و تکبیرتان، سلام بر عید فطر و نماز عید و زکات فطریه‌تان، سلام بر شما و اجداد طاهرینتان، ای روزه‌دار حقیقی، ای مؤمن، سوره‌ی مؤمن و توبه و اسراء و احزاب. سلام بر شما ای جوهر هستی، منجی عالم بشریت، پیشوا و امام بر حق و عصاره‌ی نبوت، خاتمه‌ی امامت و خلیفه‌ی زمین عیدتان مبارک.

مولای من شرمنده‌ام از این‌که کارنامه‌ی عمل من شما را غمگین نمود چون آن‌گونه که شما انتظار داشته‌اید عمل نکردم. ولی مولای من شما بر اشتیاق و علاقه‌ی من در قدم برداشتن در راه رضایت خداوند متعال و خشنودی شما مطلع هستید. پس از حضورتان استدعا دارم در این مورد دعا فرمایید که خداوند کریم ما را دست خالی امروز برنگرداند و من را از زکات فطریه‌ی خود بی‌بهره نگذارید چون مستمند وجود مقدس و مبارک شما هستیم. ای سرور و مولای من در این عید مبارک از شما می‌خواهم به بزرگ‌ترین خواهش من عنایت فرموده و آن را بپذیرید آن این است.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۲ مهر ۸۹

خطبه‌ی شهادت امام صادق (ع)

حمد و سپاس پروردگار عزوجل که صاحب نعمت‌های بزرگ و بارنده‌ی رحمت گسترده، مواهب عظیم، قدرت و اقتدار کامل، بخشش‌های نیکو و عطا‌های بی‌کران است که نه به وصف آید و نه مثل و مانندی دارد. آن خدایی که آفرید و روزی داد، الهام کرد و گویا نمود، نعمت داد و فرو بارید و عطا کرد و افزود. پاک و منزّه است خداوند با جلالت و جبروت که عظمتش فراتر است از درک و اندیشه، یکتاست در سلطنت و مالک است در ملکوت و حیران است عقل در هیبت کبریایی او. سزاوار نیست جز او برای مدح و ثنا و ستایش.

بار الها تو را شکر می‌گوییم که ما را به واسطه‌ی شناخت و معرفت دوستان خود عزت بخشیدی که افضل آنان برگزیده‌ات از خلائق، شایسته‌ترین بندگان، امام رحمت و پیشوای خیر و کلید برکت حضرت رسول اکرم (ص) و اهل بیت پاکش است که همگی از پیشوایان و منجیان بشر از ظلمتِ جهل و گمراهی بودند و در راه هدایت بندگان به سوی تو با جان و مال و فرزند همت گماشته رضایت تو را خریدند.

امروز که مصادف است با روز شهادت ششمین اختر آسمان امامت و ولایت، معلم راستین قرآن و عرفان، پاک کننده‌ی انحرافات از دین، بنیان‌گذار راه و رسم شیعه، امام جعفر صادق (ع) فرصت را غنیمت شمرده گوشه‌ای از فضایل آن امام همام را بازگو می‌کنیم.

در زمان صدر اسلام سران کفار و مشرکان مکه و مدینه با پیشرفت اسلام و فتح مکه چون در خود توان ایستادن در مقابل موج قدرتمند اسلام را نمی‌دیدند به ظاهر مسلمان شدند ولی در باطن منافق گونه در پی فرصتی بودند که مسیر اسلام را به نفع خود عوض کنند.

با واقعه‌ی غدیر و انتخاب امیر مؤمنان علی (ع) به‌عنوان جانشین پیامبر (ص) نقشه‌های شوم آنان نقش بر آب شد در نتیجه به سراغ مسلمانان جاه‌طلب و سست

عصر رفتند و با تحریک آنان بعد از رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص) غیرمستقیم ابوبکر را جانشین نمودند و در پشت پرده زمام امور را به دست گرفتند و برای کم‌رنگ کردن قوانین اسلام و دستورات الهی و جایگزین کردن عقاید دوران جاهلیت و شرک آلود به‌وسیله‌ی عوامل خود شروع به اوج دادن روایت‌ها و احادیث جعلی کردند که تعداد این احادیث بعد از چند سال به ده‌ها هزار می‌رسید. با وجود این‌که امیر مؤمنان (ع) نهایت تلاش خود را در مقابله با این احادیث نمود اما با تبلیغات و اجیر فقهای مزدور توسط خلفا روز به روز در میان عوام بیشتر اشاعه پیدا کرد. به‌طور مثال می‌بینیم که در زمان عثمان شتر سرخ‌موی را به جای بت زمان جاهلیت مقدس اعلام نمودند به‌طوری‌که در جنگ جمل مردم فضولات آن را به‌عنوان تبرک جمع‌آوری می‌کردند که پس از خاتمه جنگ امیر مؤمنان شتر را کشت و سوزاند. در زمان معاویه این دسیسه‌ها به اوج خود رسید به‌طوری‌که معاویه احادیث و روایت‌های جعلی را با طلا از بزرگان به ظاهر دینی می‌خرید و امام حسن و امام حسین (ع) نیز جان خود را در مبارزه با این انحرافات فدا کردند، امام سجاد (ع) در دوران خفقان و کشتارِ زمان خود چاره‌ی کار را در پیغام رساندن و آموزش و آگاهی دادن را در دعا و مکارم اخلاق دیدند که ایشان را نیز آن قوم لعین شهید کردند؛ اما در زمان امام باقر (ع) دولت بنی‌امیه رو به زوال نهاد و اختلاف شدیدی در ممالک اسلامی پدید آمد. به‌طوری‌که در مدت نوزده سال امامت امام باقر (ع) پنج خلیفه روی کار آمدند پس موقعیت مناسبی برای آن حضرت که از ظلم بنی‌امیه فارغ شده بود به وجود آمد و ایشان انقلاب فرهنگی و علمی شیعه را پایه‌گذاری نمودند و بزرگانی از عام و خاص را تربیت و آموزش و آگاهی دادند. پس از شهادت امام محمد باقر (ع) این مهم را امام جعفر صادق (ع) به عهده گرفتند و چون مدت امامت ایشان در پایان دولت بنی‌امیه و اول دولت بنی‌عباس واقع شد این دو دولت قدرتی نداشتند و از این جهت امام توانست به نشر معارف اسلامی بپردازد و چندین هزار دانشمند در علوم اسلامی تربیت نماید. در مدت امامت سی و چهار ساله‌ی خود شیعه را زنده کرد و خدمات آن حضرت به شیعه به حدی است که شیعه را شیعه‌ی جعفری می‌گویند. بزرگان شیعه و سنی معترف‌اند که چهار هزار نفر از امام صادق (ع) روایت نقل نمودند که یکی از آن‌ها

سی هزار روایت از امام جعفر صادق نقل نموده. در فنون مختلف اسلامی به قدری از امام صادق روایت شده است که عقل دانشمندان و فقها در حیرت است.

پس درمی‌یابیم که امام جعفر صادق (ع) با رد روایت‌های کاذب و ساختگی و نقل و جایگزین کردن احادیث و روایت‌های درست چه ضربه‌ای بر منافقان و چه خدمتی به اسلام و شیعه نمودند. با وجود این‌که در اواخر عمر امام، منصور دوانقی خلیفه‌ی عباسی مانع از تشکیل کلاس و تماس مردم با امام شد باز ایشان دست از فعالیت برنداشته و غیرمستقیم به آموزش ادامه دادند تا این‌که منصور دوانقی ایشان را در ۲۵ شوال سال ۱۴۸ هجری به شهادت رساندند.

چه زیبا حضرت زهرا (س) فرمودند: آنگاه که ندای حق بر می‌خیزد که کجایند بندگان که همواره از شر نفس اماره در سلامت بودند و بیماری به آنان چیره نشد و آنچه همراه خود دارند سلامی در خور صحرای با شکوه قیامت است و افسوس بر آنانی که نعمت وجود را درک نکردند و میزان عشق پروردگار را نسبت به خودشان در نفس اماره به باد فنا دادند. همان عشقی که انسان را فقط به درگاه الهی پیوند می‌زند تا با گوشت و پوست، محبت و عشق را درک کند و آنگاه آماده‌ی ورود در بهشت رضوان شود.

ضمن عرض تسلیت به پیشگاه فرزند خلف ایشان حضرت ابی‌صالح المهدی (عج) که ادامه دهنده‌ی راه ایشان می‌باشند دست به دعا برمی‌داریم که خدایا از تو درخواست می‌کنیم به آبروی بنده‌ی گرامی‌ات و امام بر حقت که در این روز در راه تو به شهادت نائل گردید ما را از شیعیان و پیروان واقعی امام جعفر صادق (ع) و پدران و فرزندان‌شان مخصوصاً امام عصرمان قرار ده.

خدایا در فرج امام عصرمان تعجیل بفرما تا بدعت‌ها و انحرافات کاذبی که پس از امامان در دین وارد گردیده را افشا و ریشه کن نماید. ان‌شاءالله.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۷ مهر ۸۹

خطبه‌ی ولادت امام رضا (ع)

حمد و سپاس بی‌کران بر خداوند عزوجل که علمش ازلی، حکمتش ابدی، تدبیرش سرمدی، آفرینشش بی‌نظیر، خدایی‌اش بی‌شریک، فرمانروایی‌اش مقتدر، مهربانی‌اش بی‌منتها، رحمتش واسعه و نعمتش کامله است. نیست معبودی جز او. خداوندا شکر و سپاس تو را سزااست ای آمرزنده‌ی گناهان و برطرف کننده‌ی گرفتاری‌ها، روزی دهنده‌ی آفریدگان و شنونده‌ی شکایت‌ها و رها کننده‌ی اسیران به تو پناه می‌بریم و از تو امان می‌خواهیم، از فساد و تباهی و ظلم و کفرِ زمانه از این‌که خود هم‌سو و همراه آن باشیم.

سلام و برکات الهی در زمانی است که حق از باطل جدا گردد و بوی حق ظاهر شود و مشتاقان حق آن را ببینند و انتظارشان به پایان رسد و دل‌هایشان محلِ جلوه‌ی حق گردد و چه با شکوه است لحظاتی که مخلوقات الهی در پیشگاه خالق خود هستند و نفس‌های دنیایی محو شده و نفس‌های بهشتی در فضا پیچیده است و آنچه استشمام می‌شود عطر خالق است در وجود نهانی مخلوق.

و درود و سلام بر بهترین برگزیده و افضل اوصیا خاتم انبیاء محمد مصطفی (ص) و بر خاندانش که همگی از پیشوایان درستکار و هدایت یافته و معصوم و پرهیزکار و راست‌گو و عمل کننده و قیام کننده برای رضای خدا و گرامی و مقرب درگاه او هستند و امشب مصادف با شب میلاد هشتمین اختر آسمان ولایت، معلم علما و مروج دین، معدن کلمات پروردگار، صندوق انوار الهی، ثامن الحجج امام علی بن موسی‌الرضا (ع) است. به همین مناسبت گوشه‌ای از فضایل ایشان را بازگو می‌کنیم.

ممالک اسلامی بعد از مرگ هارون‌الرشید عباسی در طغیان بود و شورش‌های فراوانی پدید آمد مأمون عباسی که مردی حيله‌گر و مکار و مقام‌پرست بود و چون از طرف پدرش حاکم خراسان گرید و از ارادت مردم ایران به اهل بیت اطلاع داشت برای رسیدن به اهداف شوم خود یعنی به دست آوردن قدرت به حيله خود را دوستدار

امیر مؤمنان علی (ع) و فرزندانش مخصوصاً امام علی بن موسی‌الرضا (ع) معرفی می‌کرد و در ظاهر از امام دعوت نمود که عنوان ولیعهدی او را قبول کند و در باطن به اجبار امام را از مدینه به مرو آورد و به واسطه‌ی همین حرکت مذبحخانه برادر خود امین‌عباسی را سرکوب کرد و کشت و امام رضا (ع) بار هجرت را بستند تا مردم و امت خویش را از دنیای فانی و زودگذر هجرت دهند. غم‌های فراق را به جان مبارکشان خریدند و تهمت‌های بی‌اساس را بر شأن آسمانی و مرتبت الهی خود با گوش‌های مبارکشان مانند امام حسن مجتبی (ع) شنیدند ولی دست از امت خویش نکشیدند و عاشقانه بر فرامین الهی ثابت قدم ماندند. امام آمد تا وجودها را از تاریکی نفس‌های بی‌اساس بر روشنایی اتحاد رقم زند.

آمدن امام رضا (ع) به مرو برای اسلام بسیار مفید بود زیرا خراسان برای بیگانگان میدان علم بود و اگر حضرت نمی‌آمد کسی وجود نداشت که شبهات آنان را رفع کند و اگر آن شبهات رفع نمی‌شد برای عالم اسلام خطرناک بود. امام رضا (ع) با حرکت‌هایی که فقط از امام ساخته است چنان مأمون و عمالش را رسوا و ولایت و امامت را به مردم نشان داد که مأمون برای جلوگیری از رسوایی خود ایشان را با زهر در سال ۲۰۳ هجری شهید کرد. می‌بینیم که چه حق و زیباست مقام امامت که حق را گاهی با شمشیر، گاهی با صلح و گاهی به ظاهر قبول ولایت عهده‌ی بر فرق باطل می‌کوبد.

باور کنیم که این موضوع شامل همه‌ی امامان است و یقین داشته باشیم که امام عصرمان منجی عالم بشریت ابوالصالح المهدی (عج) نیز در این زمان همین‌گونه عمل می‌نمایند. به یاری خداوند متعال همه‌ی عاشقان و منتظران ایشان خواهند دید که حق را چگونه بر باطل خواهند کوبید تا هر چه باطل است نابود شود و چه زیبا مادر گرامی‌شان سیده‌ی دو عالم زهرا اطهر حضرت فاطمه (س) آن زمان را توصیف کردند که فرمودند: آنگاه که ساعت‌ها به هم پیوند و زمان‌ها در هم شوند و شب و روز در فرمان درآیند منتظران حق از قبرها برخیزند و به استقبال امر پروردگار کریم بشتابند و آنگاه مأموران الهی به آنان خطاب کنند: سلام بر شما وعده‌ی الهی به تحقق در آمد و یاران و دوستان اهل بیت رسول‌الله (ص) گرد هم جمع شوند و بوی حق را

استشمام کنند و پروردگار عالم ندا دهند: ای فرزند زمان، زمان دلگیری‌ها به اتمام رسید و یاران بپوید، در سایه‌ی حق باطل‌ها را به فراموشی بسپارید که ساعت معنای خویش را از دست داد و زمان برای یاران ثابت ماند. پس درک آنچه به‌عنوان غنیمت یا گنج واقعی در قرآن وجود دارد با عمل به فرامین الهی در وجودها به نوری جاودانه تبدیل می‌شود که هنگامی که تمام عوامل هستی از ظاهر پاک شد باطن می‌آید تا حق و باطل جلوه‌گر شود. ان شاء الله.

در خاتمه در این شب مبارک دست به دعا برمی‌داریم:

بار الها به ما روزی کن شناخت حق و باطل، پاک و ناپاک، راه و مقام امامت و چهره‌ی نفاق را.

بار الها به ما صبر انتظار و شناخت مسئولیت منتظر را عنایت بفرما.

بار الها گواه باش که ما در غیبت امام و ولی بر حق تو دوست‌دار او و امامتش و پیرو فرمان او هستیم و این گواهی را جزء گواهان دولت ظهور قرار بده.

بار الها در ظهور دولت حق امام عصر (عج) تعجیل بفرما.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۶ آبان ۸۹

خطبه‌ی شهادت امام جواد (ع)

حمد و ستایش سزاوار خداوند با کبریا و جبروت و عظیم است که صاحب گذشت و مهربانی و آمرزش بی‌نظیر می‌باشد. پاک منزّه است و مقتدر، قدرتمند است و بی‌همتا که شکافنده‌ی دانه و آگاه به هر راز پنهان، شنونده‌ی هر نجوا، بیننده‌ی هر نادیده، عمل‌کننده به وعده، درگذر کننده‌ی از لغزش‌ها، پوشاننده‌ی عیب‌ها و برطرف کننده‌ی گرفتاری‌ها است.

درود و سلام بی‌شمار و بی‌پایان بر خورشید رسالت، ماه هدایت، ستاره‌ی نبوت، روشنایی صراط، پایگاه نجات، گرامی کننده‌ی حیات، رسول اکرم حضرت محمد (ص) و بر خاندانش که همگی ستون‌های استوار دین، حبل‌های متین، رهبر و پیشوای راستین مردم زمین که مطهر و پاک و باتقوا و با یقین بودند.

برکات الهی بر جان‌هایشان که فرمان قیامت چنان نسیمی بر روح پاکشان و جسم مطهرشان خواهد ورزید و آنگاه که از خاک بر می‌خیزند زمین به آنان افتخار خواهد نمود و به خاطر این که چند صباحی امانت‌دار جسم پاکشان بوده سپاس‌گزار پروردگار کریم خواهد بود.

در این ایام عزادار یکی از آن وجودهای مقدس، معدن جود و سخا، علم و تقوا، شجاع در میدان علم، نهمین اختر امامت و ولایت امام محمد تقی جوادالائمه (ع) هستیم که در معرفی خود بعد از شهادت پدر بزرگوارشان حضرت امام رضا (ع) که شروع امامتشان در ۵ سالگی بود چنین فرمودند:

من محمد بن علی جواد هستم، من عالم به نسب‌های همه مردم هستم، مردمی که به دنیا آمده‌اند یا نیامده‌اند، من اعلم از خود شما و ظواهر شما و باطن‌های شما هستم. این علم را قبل از خلقت عالم هستی داشته‌ایم و بعد از فنا‌ی عالم هستی نیز داریم. اگر نبود تظاهرات اهل باطل و دولت‌های باطل علیه ما و اگر نبودند مردم عوام و شک‌های آنان چیزهایی می‌گفتند که همه تعجب کنند و سپس دست مبارکشان را بر دهان خود نهادند و فرمودند: ساکت باش چنان‌که پدران ساکت بودند.

این است مقام اهل بیت و علم آنها، این است مقام امام جواد (ع) و علم او و این که واسطه این عالم است. زندگی و شهادت امام جواد (ع) شباهت زیادی به زندگی و شهادت پدر بزرگوارشان ثامن الحجج امام رضا (ع) داشت. همان گونه که می دانیم مأمون عباسی زمانی که در خراسان بود امام رضا (ع) را به اجبار از مدینه به مرو آورد؛ و هم چنین مأمون بعد از این که به بغداد رفت امام جواد (ع) را نیز به اجبار از مدینه به بغداد آورد و دخترش اُم فضل را اجباراً به عقد امام جواد (ع) درآورد همان گونه ای که امام رضا (ع) را اجباراً ولیعهد خود کرد تا در بین شیعیان حرمت پیدا کند. امام جواد (ع) را نیز به همان منظور داماد خود کرد. امام رضا (ع) را مأمون در ۳۰ ماه صفر که چند روزی به عید بغرا یعنی اولین روز امامت جوهر هستی، منجی عالم، امام عصر (عج) فاصله دارد از روی عجز و ناتوانی با زهر به شهادت رسانید و ما شیعیان هر سال بعد از روز شهادت امام رضا (ع) خود را آماده می کنیم تا با امام عصرمان تجدید بیعت کنیم و امام جواد (ع) نیز در ۳۰ ماه ذی القعدة که چند روزی با عید غدیر روز انتخاب حیدر کرار امیر مؤمنان علی (ع) فاصله دارد به شهادت رسیدند و ما شیعیان در این روز خود را آماده می کنیم تا در عید غدیر با مولایمان علی (ع) تجدید بیعت کنیم. ان شاء الله.

امام جواد (ع) نشان دادند و ثابت کردند که علم امامت و رهبری و ولایت به سن و سال نیست چون ایشان در سن ۸ سالگی به امامت رسیدند و مأمون و معتصم و دشمنان اهل بیت، باطل خیال کردند که امام کودک هستند و جوان و نمی توانند امام را تحت تسلط خود داشته باشند ولی خیلی زود به اشتباه خود پی بردند. چون امام جواد (ع) چنان با علم و بیان قرار و شیوا رهبری عالمانه شیعیان را به عهده گرفتند که معتصم از ترس رسوایی اُم فضل دختر مأمون را با دسیسه مأمور به شهادت رساندن امام در سن ۲۵ سالگی نمودند.

پس می بینیم که در امامت امام بر حق که منتخب خداوند کریم به عنوان ولیعهد، سن کم و زندگی طولانی تأثیری ندارد ما منتظران، عاشقان وجود مقدس امام زمان (عج) باید زندگی امام جواد (ع) را به دشمنان اهل بیت نمونه قرار داده و اعلام کنیم

همان‌گونه که سن کم در امام ملاک نبود، گذشت زمان طولانی نیز از نظر ما در امامت مدبرانه و حکیمانه و لحظه به لحظه مولایمان نمی‌تواند مؤثر باشد. در این ایام دست به دعا برمی‌داریم که:

بار خدایا ولی و امامان اللهم عجل لولیک الفرج را به ما آموختند پس به واسطه‌ی این دعا در عقلمان فرج و گشایش بده تا بتوانیم خطاهای فکرمان را با این دعا به گشایش عقل برطرف نماییم.

بار خدایا همان‌گونه‌ای که وعده فرموده‌ای آنگاه که جامعه‌ی انسانی از عقل تهی شود صاحب عقل را برانگیزی تا مردم را از گوهر وجودشان آگاه کند ظهور عقل کل و امام زمان (عج) را نزدیک بفرما.

بار خدایا یاری فرما تا در کنار مولایمان بتوانیم زمانِ فراتر از عقل را درک کنیم و عقلی را پرورش دهیم که در الست به یگانگی تو اعتراف کرد.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی عید قربان

۲۶ آبان ۸۹

حمد و ستایش پروردگار بی‌همتا را سزااست که توانا و توانگر، نیرومند و عزیز، حکیم و قادر، بلندمرتبه و زنده و پاینده است که چون آفرید انسان را عطا کرد و روزی داد، تدبیر کرد امورش را، ترحم نمود بر حالش، پاداش داد و عذاب نمود، هدایت کرد و راه رستگاری را نشان داد و در تکمیل هدایتش پیامبر حبیب و گرامی و افضل برگزیدگانش حضرت محمد مصطفی (ص) را به رسالت برگزید و بعد از او خاندان پاک و مطهرش را جانشینان او قرار داد.

خانه‌ی کعبه مکان راستین اهل‌بیت را نخستین خانه‌ی عبادت بندگان مقرر فرمود و آن خانه‌ی مبارک را وسیله‌ی هدایت جهانیان نمود و در آن خانه آیات و نشانه‌های آشکار ایمان و مقام حضرت ابراهیم (ع) که محل امن و امان است وجود دارد.

بار خدایا قرار بده در این زمان امام و مولا و سرور ما صاحب عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) را پیشوا و امام بر حق ما. همان‌گونه‌ای که حضرت ابراهیم (ع) را خلیل و امام قرار دادی که به وسیله‌ی وجود با برکت امام عصر (عج) رستگاران رستگار شوند، توبه کنند توبه کنندگان، عبادت کنند عبادت کنندگان، نجات یابند نجات یابندگان، هلاک شوند ستمکاران، از بین روند باطلان و پیروز شوند حق مداران.

در این روز مبارک که عید قربانی نفس‌ها و آشکار شدن اخلاص در بندگی و سعی و کوشش و جهد کردن به سمت عبودیت است ضمن عرض تبریک به حاجی واقعی همه‌ی زمان‌ها امام عصر (عج) از سخنان گهربار و گران‌قدر ایشان در مورد مراسم پرشکوه حج بهره می‌گیرم، در مورد سعی بین صفا و مروه و اعمال حج امام زمان (عج) چنین می‌فرمایند: در حرکت انسان به سوی خداوند بزرگ‌دل است که سرعت می‌گیرد نه پا. اگر دل سرعت گرفت ولی حرکت محدود بود. این فشاری که محدودیت ایجاد می‌کند باعث می‌شود تا زمان بیشتر در حرکت ظاهری به وجود بیاید. ولی در سرعت دل زمان وجود ندارد می‌توانید تا هر چند بار که خواستید در آن مکان سعی

کنید نه با جسم بلکه با روح که سرعت زمانی و محدودیت مکانی ندارد و می‌توان بدون زحمت هزاران بار سعی صفا و مروه کرد. تمام مراسم حج فقط چند روز است ولی آثار بندگی و اشتیاق، تمام عمر باید باشد اگر فقط سعی و کوشش انسان به طرف پروردگار همان چند ساعت باشد، تند حرکت کند یا کند حرکت کند و بعد از آن زمان حرکت را از دست بدهد مانند کسی که وجودش فلج است و نمی‌تواند هیچ حرکتی کند درمی‌آید. در واقع سعی بین صفا و مروه برای او فقط دویدن کودکان برای بازی کردن و سرگرم شدن است. هر وقت که قلب متوجه پروردگار می‌شود در واقع یکی از اعمال عبادی حج را انجام می‌دهد چون معنی حج هجرت است و اگر این هجرت فقط ۱۰ روز باشد زمان، جوابگوی نیاز انسان نخواهد بود و انسان جزء زیان دیدگان زمان در قیامت خواهد بود پس در حرکت در مسیری که نور هدایت پیامبران الهی را دارد چه ایستاده و چه نشسته باید درس عشق و بندگی باشد و سایه‌ی عظیم لطف الهی که در این مسیر بر سر همگان افتاده نعمتی بزرگ است که شکر عظیمی را طلب می‌کند. اگر کعبه نبود که انسان‌ها به طرف آن نماز بخوانند یا سالی یک‌بار دور آن بچرخند. ارتباط با پروردگار را از نظر محیطی و قلبی درک نمی‌کردند. پس وجود کعبه لطف است تا ارتباط انسان شکل پیدا کند و معنی و اسم حرکتی را در برداشته باشد. پس اگر پروردگار بزرگ در سوره مبارکه‌ی حج از تمام حالات عبادی فقط پرهیزکاری دل را مثال می‌زند این همان نشانه‌ی عشق و ایمان اولیه‌ی وجودهای نهفته‌ی انسان‌هاست که وقتی شکل پیدا می‌کند می‌شود اعمال حج که پروردگار عالم می‌فرماید: ای ابراهیم خانه‌ی مرا برای راکعان و ساجدان پاکیزه کن. اگر وجودی توانست تا نشانه‌ها را باور کند و خود را با دیدن نشانه‌ها حرکت دهد و بعد از محو شدن آن محیط و برگشتن از آن مکان فقط خاطره‌ای در ذهن او باقی مانده باشد نه حرکتی، مانند کسی است که در خواب در بالای قله‌ی مرتفعی گردش می‌کند و این گردش برایش لذت آور است ولی زمانش محدود است به سرعت بیدار می‌شود و دیگر اثری از آن بلندی و گردش نمی‌بیند فقط خاطره‌ای باقی می‌ماند تا برای دیگران بازگو کند. باید زمان محدود حیات را سرعت وجودتان جبران کند و این سرعت در عشق

معنا می‌شود این است حج عاشقانه ابراهیمی که امام عصر (عج) توصیف آن را فرمودند.

پس چه زیان دیدگان‌اند آن‌هایی که بدون معرفت رفته و بازگشته‌اند و مانند مسافرت‌های که در طول زندگی انجام داده‌اند فقط خاطره‌ای به یاد دارند. از خداوند کریم مسئلت داریم که همه‌ی خواهران و برادرانی که در خانه‌ی امام عصر (عج) حضور دارند حجتی با معرفت و عاشقانه که تا آخر عمر اثر آن در وجودمان و عملمان مشهود باشد روزی فرماید. چه سعادتمند و غنی است شیعه که چنین امامی و معصومین دیگر را دارد که ضمن هدایت ما به اعمال درست یاری‌مان می‌کنند تا سعادتمند شویم. چه زیبا در این مورد بانوی دو عالم حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) فرمودند: سلام بر جان‌هایی که همچون نسیمی که در بهاران بر غنچه‌ی ناتوان می‌وزد و مراقب است تا جان ضعیفش پاسخ‌گوی آن نسیم باشد و در اثر وزیدنش مژده‌ی باز شدنش و به بار نشیدنش را به گوش جان بشنود و سرمست و شاد بگوید: ای غنچه‌ی زیبا گره‌ی جانت بگشا تا گلی زیبا شوی گره جانشان را می‌گشایند و در پیشگاه پروردگارشان جلوه‌ی خلقت را می‌نمایانند تا وعده‌ی الهی محقق شود.

در خاتمه دست به دعا برمی‌داریم که:

بار الها نسیم بهارانی که بر وجود ناتوان ما از طرف مولا امام عصر (عج) در هدایت به سوی سعادت بر ما می‌وزد را مایه‌ی رستگاری‌مان قرار بده.

بار الها، حج عاشقانه و عارفانه‌ی ابراهیمی روزی‌مان کن.

بار الها در ظهور دولت حقه امام عصر (عج) تعجیل بفرما و روزی کن در کنار ایشان طواف خانه‌ی کعبه را.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی عید غدیر

۴ آذر ۸۹

حمد و سپاس پروردگار یکتا و مقتدر را سزااست که به قدرت و اراده‌اش شکافت دریاها، برپا شد کوه‌ها، سبز گردید درختان و گیاهان، جان گرفت جانداران، معنا پیدا نمود حیات و ممات، فروزنده شد خورشید و ماه، آراسته گردید ستارگان و خلق شد انسان، برگزیده شد رسولان، نازل شد قرآن، جدایی گرفت حق از باطل، به کمال رسید نعمت خداوندی چون انتخاب شد ولی و امام.

سلام بر امین وحی رسول گرامی خدا و سلام بر هر تصمیم و خطابه‌اش و اندرز و پیامش. سلام و درود بر قلب سکینه، منصور و مؤید ابوالقاسم محمد (ص) و سلام بر امام منتخب و پدر امامان معصوم، خلیل نبوت، برادر و جانشین پیغمبر، اوج ایمان، میزان اعمال، شمشیر ذوالجلال، صالح مؤمنان و وارث پیامبران، شجره‌ی تقوا، نعمت شایان و کوبنده، راه روشن، اختر رخشان، امیر مؤمنان علی (ع).

و سلام بر لحظه‌ای که پروردگار کریم فرشتگانش را فرا خواهد خواند تا پرده از عالمی بردارد که به آنان وعده‌ی دیدنش را در آفرینش حضرت آدم (س) داده بود. آنگاه که فرمود ای آدم این‌ها را از نام‌هایشان آگاه ساز و حضرت آدم (س) اسرار دولتی را فاش نمود که آینه‌ی اطاعت پروردگار خویش بود و آنگاه اطاعت معنی و مفهوم خویش را در نزد فرشتگان الهی از دست داد و آنان اعتراف نمودند به این‌که جز آن‌که پروردگار به آنان بیاموزد علمی ندارند.

سلام بر غدیر و غدیریان از غدیر تا قیامت. غدیر روز باران نعمت الهی، روز جدا کننده‌ی حق از باطل، روز شکست شیطان، روز شادی مؤمنان، حق طلبان و عدالت خواهان است. در این روز خداوند متعال که بارها در توصیف صفت مؤمن و مجاهد در آیات مختلف قرآن کریم اشاراتی به مقام والای حضرت امام علی (ع) فرموده بود با فرمانی شرطی به پیامبر (ص) فرمود که اگر جانشینی و وصی بودن امام را اعلام نکنی رسالت خود را کامل نکردی و فرمان داد تا به همه‌ی حاضرین در غدیر و همه‌ی

بشریت اعلام نماید. پیامبر نیز فوراً اجرای فرمان نمودند و جانشینی امیر مؤمنان علی (ع) را رسماً اعلام و همه با ایشان بیعت کردند ولی دو ماه بعد در اولین روز رحلت پیامبر نقاب از چهره‌ی منافق آنان افتاد و سرپوش موقتی که بر عقاید و نفس‌های دوران جاهلیت گذاشته بودند برداشته شد و رسوایی ابدی برای خود و ظلم به تمام بشریت تا دولت ظهور نمودند. درحالی‌که همگی به شایستگی او قلباً اعتراف داشتند ولی شیطان اعمال آن‌ها را برایشان آراسته کرد. عهد و پیمان خود را با امام علی (ع) که اسوه‌ی ایمان و تقوا و شجاعت و تدبیر و علم بودند و از همه برتر با ایمان در خانه‌ی خدا به دنیا آمدند و با ایمان در محراب شهید شدند را شکستند.

حال این خطبه را مزین می‌کنیم به سخنان زیبا و شیوای اولین دفاع کننده از امامت و ولایت و شهید شده در این راه یعنی همسر امام مادر هستی حضرت زهرا (س) که فرمودند: تاریخ نویسان فقط رنج‌های ظاهر را می‌نویسند. نمی‌توانند سینه‌ها را باز کنند و جراحات‌های جهل را بنگارند فقط از آن جراحات‌ها پروردگار کریم آگاه است. وقتی ما را در شیب ابوطالب زندانی کردند من دیدم که مادر گرامی‌ام حضرت خدیجه‌ی کبری (س) به ابوطالب گفت: ای یاور پیامبر خدا پسر علی سپر بلاهاست غمگین نباش هر بار سینه‌ات تنگ شد نام علی را بخوان تا قوی و محکم شوی و دست محبتشان را به سرم کشیدند و فرمودند: دخترم نام علی در نهان جانت بر تو گوارا باد که همواره از چشمه‌ی فضائل او خواهی نوشید و از شراب جانش فرزندان‌ی به جهان ارزانی خواهی داشت که مثل و مانندی ندارند. حضرت زهرا (س) به شیعیان و دوستداران چنین فرمودند که: هر رنجی که برای پایداری فرمان الهی کشیده شود نامش عزت است پس طالب رنج باشید تا عزت را درک کنید.

در این روز بزرگ و مبارک باید همه بدانیم که دعوت پیامبر برای بیعت با امیر مؤمنان (ع) مختص به حاضرین در غدیر نبود بلکه این دعوت برای عموم مردم تا قیامت بود. پس با این باور و یقین به این دعوت لبیک گفته و با مولایمان و فرزندان‌ش مخصوصاً با مولا و سرورمان جوهر هستی، عصاره‌ی نبوت ابوالصالح المهدی (عج) تجدید بیعت می‌کنیم.

چون اباصالح بود فرزند مولایم علی

دست او گیرم که باشد هم‌چو دستان علی

امید است که این بیعت قبول درگاه الهی و پیامبر و امیر مؤمنان و همه‌ی امامان واقع شود و ما نیز بر این بیعت و پیمان تا پای جان وفادار باشیم.

بار الها من تازه می‌کنم بیعت خود را با مولایم امیر مؤمنان و امامان و امام عصر در این روز و همه‌ی عمرم. چنانچه به این فضیلت شرافتم دادی برسان بر آنها سلام و بیعتم را.

بار الها مرا از انصارشان و همراهانشان و دفاع کنندگان از آنها قرار ده.

بار خدایا روزی من کن شهید شدن با میل و اشتیاق در دفاع از آنان در صف یاورانشان همان صفی که در قرآن فرمودی صفی چون بنیاد در هم پیوسته.

خدایا گواه باش که این بیعت بر گردن من است تا قیامت.

سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَكَ حَرْبٌ مِنْ حَارِبِكَ

و وَلِيٍّ مِنْ وَالِيكَ وَ عَدُوٍّ مِنْ عَدَاكَ

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۵ آذر ۸۹

دل نوشته‌ی عید غدیر

مولا یا امیرالمؤمنین از اون وقتی که خودمو شناختم دیدم که پدر و مادر و اطرافیانم هر وقت می‌خواستن کار مهم یا بزرگی رو انجام بدن یا مشکلی رو حل کنن بعد از نام خداوند متعال ذکر مبارک یا علی رو می‌گفتن. این طوری بود که من هم این ذکر رو یاد گرفتم و گفتم و از گفتنش احساس لذت و از شیعه بودن افتخار خاصی می‌کردم ولی بعد از خواندن چند خطبه از نهج‌البلاغه و روایاتی از زندگی شما سؤالاتی برام پیش اومد که چطور میشه ذکر یا علی که در خیبر رو می‌گفته تا نور ایمان خداوندی و توکل و یقین به درون قلعه خیبر راه پیدا کنه، ذکر یا علی من در قلبم رو باز نمی‌کنه تا نور خداوندی و ایمان راستین داخلش بشه؟ چرا توکل و یقین از زبونم به قلبم راه پیدا نمی‌کنه؟ و چرا ذکر یا علی که شیعیان واقعی زمان شما می‌گفتن و چون کوهی قله‌ی آن‌ها مرتفع‌تر و دامنه‌هایشان محکم‌تر می‌شد ذکر یا علی من پاهام رو در راه حق و حقیقت‌طلبی و عدالت‌خواهی و دفاع از دین و قرآن استوار نمی‌کنه؟ چرا با اولین ناملایمات و سختی‌های زندگی زانوهایم لرزیده و سست شده می‌شینم؟ چرا ذکر یا علی من اثری این‌جوری داره؟ چرا؟ تا این‌که فرمایشات شما رو شنیدم و جواب سؤالم رو گرفتم شما فرموده بودید: بیعت با صدا مانند نوایی در باد است و هیچ اثر دیگری ندارد، ظلم در نام من محو و نابود می‌شود و ظالم با نام من دچار عطش قیامت خواهد شد.

پس منی که با سستی و کوتاهی در اجرای دستورات الهی به بهانه‌ی فشار زندگی، بعضی از این دستورات رو نادیده گرفته یا به نفع خودم تغیر می‌دم که در این صورت در وهله‌ی اول به خودم ظلم کرده و به همون دلیل برای رفاه و کسب مال بیشتر برای خود و خانواده‌ام از هیچ ظلمی به مردم کوتاهی نکرده و پس از انجام گناه نه تنها از ترس خدا لب و دهانم خشک نشده بلکه احساس رضایت هم می‌کنم خطبه و روایت‌های زندگی شما رو شنیده و تحسین می‌کنم ولی سعی در سر مشق قرار دادن آن‌ها که عین فرموده قرآن و در نهایت مطابقت با دستورات الهی است نمی‌کنم.

پس ذکر یا علی من نه تنها در خیر قلب خودم و دیگران رو باز نمی‌کنه بلکه بادهای نفسانی وجودم این ذکرها رو می‌بره. متأسفم از این که من این قدر از خودم غافلم.

ولی مولای من حال که با فرمایشات شما به این مهم پی بردم سعی می‌کنم تا عید غدیر امسال خودم رو اصلاح کنم و آماده باشم تا در این روز نه تنها با دست همت بلکه با تمام وجود با شما بیعت کنم بیعتی که در آن عمل باشد نه شعار، حق باشد نه باطل، گذشت باشد نه ظلم، ایمان باشد نه کفر، تقوا باشد نه فساد، آخرت باشد نه دنیا، راه شما باشد نه راه شیطان و نفس و در نهایت رضایت خدا و پیامبر و ولی باشد نه غیر. از شما تقاضا دارم منو در این راه کمک و یاری فرمایید.

لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۲ آذر ۸۹

خطبه‌ی روز مباحله

شکر و سپاس پروردگار کریم و قهار را سزاوار است که در روز مباحله جلوه‌ی حق را نه تنها به یهودیان مدینه بلکه به تمام دنیا تا قیامت نشان داد. جلوه‌ی حقی که در پنج تن تجلی شده بود، چنان بر باطل جلوه‌گری کرد که باطل با وجود قدرت و جمعیت به عجز و ناتوانی خود اعتراف کرد، همان‌گونه که امام زمان (عج) نیز به تنهایی ابراهیم وار بر تمامی باطل بت‌های کفر قیام خواهد نمود پس بر ماست با عمل به فرموده‌ی حضرت زهرا (س) خود را با ابراهیم زمانه همراه کنیم که چنین سفارش کرده‌اند:

«با توکل به پروردگار یکتا با ابراهیمی زندگی کنید که شما را می‌بیند و شما او را نمی‌بینید و هیئات و هزاران هیئات که ندانسته برای سوختن جانش هیزم می‌آورید تا او را که بت‌شکن نفس‌های زمانه است بسوزانید، نامش را دوست دارید ولی تبرش را نمی‌گیرید از تبرش می‌گریزید و مانند فرودیان که مطمئن بودند بت‌ها قادر به حرکت نیستند به وجودش ایمان دارید ولی قلب مبارکش را در آتش گناهان خویش می‌سوزانید و او را که مانند جدش ابراهیم سلام‌الله‌علیه تنهاست را دور از حقیقت رسالتش می‌بینید، پس امام زمان را در رؤیاهای خویش می‌ستایید و در حقیقتِ کردارهایتان از او می‌گریزید پس چاره‌ی این نادانی را در کجا جستجو می‌کنید! و چاره‌ی نادانی شما علایق کودکانه‌ای است که تفکر و تعقل را از جانتان گرفته است و شما را در رؤیایی وارد نموده که بیدار شدنش سخت گردیده؛ صدای حق همواره بلند و گویا بوده و حق‌طلبان همان کسانی هستند که در راه خدا با جان و مالشان جهاد می‌کنند و به پیرایه‌های زودگذر دل نمی‌بازند. زندگی با رنج را به زندگی خوش و زودگذر ترجیح می‌دهند و زبان به ستایش پروردگارشان می‌گشایند تا با ابراهیم زمانشان باشند و ساعات را در کنار او سپری کنند و از فضایلش جان را جاودانه گردانند.»

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آذر، دی و بهمن ۸۹

خطبه‌های محرم و صفر

متن کامل خطبه‌های محرم و صفر ۱۴۳۲ هجری قمری در بخش ویژه نامه‌ی محرم به صورت کامل قابل دسترس می‌باشد.

شما می‌توانید از طریق منوی ویژه نامه‌ی محرم، بخش محرم ۸۹ از این خطبه‌ها استفاده نمایید.

همچنین می‌توانید برای دیدن این خطبه‌ها بر روی لینک زیر کلیک نمایید.

خطبه‌های محرم و صفر ۸۹

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۸ دی ۸۹

خطبه‌ی ولادت امام محمد باقر (ع)

حمد و سپاس خداوند کریم، عظیم و رحیم را سزاست که دل‌ها واله، شیفته، سرگردان و دل‌باخته‌ی اوست. عقل‌ها بر معرفت و شناخت او اتفاق نظر دارند و در همه جا و همه‌ی زمان‌ها پرستیده و به بزرگی و عظمت خوانده می‌شود.

سلام و برکات الهی پروردگار کریم بر زمانی که می‌فرماید: کجایند آنانی که به ندای حق پاسخ دهند و با تکانی خاک خانه‌ی خویش به کنار زنند، از خانه‌ی قبر بیرون آیند، آنگاه بنگرند به حقیقتی که در جان‌شان بوده و از آن می‌گریختند.

ماه صفر، ماهی است بس حزن‌انگیز و سنگین که زمین و آسمان تحمل آن نتواند، چون این ماه با وارد شدن اهل‌بیت اباعبدالله (ع) به شام شروع شده و با اربعین حسینی ادامه و آخر ماه با رحلت خاتم انبیا و رحمت‌ للعالمین حضرت محمد مصطفی (ص) و شهادت امام حسن و امام رضا (ع) پایان می‌پذیرد. آنچه این ماه را تحمل‌پذیر می‌نماید، میلاد دو اختر تابناک ولایت و امامت یعنی، امام محمد باقر (ع) و امام موسی کاظم (ع) است که ما اکنون در سوم صفر، میلاد شکافته‌ی علوم و وارث علم انبیاء ابا جعفر محمد بن علی ملقب به باقر (ع) را جشن می‌گیریم.

ایشان در سال ۵۷ هجری در مدینه‌ی منوره به دنیا آمدند مادر ایشان فاطمه دختر امام حسن مجتبی (ع) و پدرشان امام سجاد (ع) بودند به همین خاطر یکی از محاسن ایشان این است که جد پدر و مادری‌شان امام بودند.

ایشان در واقعه‌ی عاشورا چهار ساله بودند، با وجود سنِ گمشان یکی از یاوران پدرشان امام سجاد (ع) و بانو حضرت زینب کبری (س) بودند. در کاروان، رهبری کودکان را به عهده داشتند. در هر شهری که توقف می‌نمودند با بچه‌ها به‌عنوان بازی محل مراقبت سربازان را ترک می‌کردند و مردم را از جنایات یزیدیان آگاه و ایشان را برای ملاقات با امام سجاد (ع) و بانو زینب (س) دعوت می‌نمودند.

ایشان در نوزده سال امامت خود، انقلاب فرهنگی شیعه را پایه‌گذاری کردند زیرا در آن زمان دولت بنی‌امیه رو به زوال بود و قدرتی نداشت پس موقعیت مناسبی برای آن حضرت که از ظلم بنی‌امیه فارغ شده بود پدید آمد که انقلاب علمی را آغاز نماید و بزرگانی از خاصه و عامه در اطراف ایشان جمع شدند و حقایق اسلام را منتشر کردند. ایشان باقر لقب گرفتند زیرا علم را شکافتند، پایه‌ی علوم اسلامی را شناختند، فروغ آن را درک فرمودند و آن را توسعه دادند و بسیاری از علمای اهل تسنن اقرار دارند که حضرت بزرگ‌ترین عالم زمان خویش بودند، خواص اصحاب امام باقر (ع) و همچنین افرادی که از او روایت نقل می‌کنند بیشتر از چندین هزار نفرند که فخر شیعه هستند.

ایشان در حدیثی زیبا شأن امامت را چنین معرفی فرمودند: چنگ بزیند به ریسمان محکم خدا و متفرق نشوید، ماییم از جمله رحمت واسعه‌ی پروردگار که بر بنده‌ها دارد، ماییم که خلقت عالم از ابتدا و انتها به دلیل ماست و خداوند به دلیل ما عالم را خلق نمود، ما امامانی هستیم رهنما و چراغ‌های درخشان و علم افراشته شده برای مردم، ماییم سابقون و آخرون و هر که به ما پناه برد رستگار می‌شود و هر که از ما تخلف کند غرق خواهد شد، ماییم حرم الله که احترام ما در میان مردم محفوظ است و جمله ما، راه مستقیم هستیم.

در خاتمه این خطبه را مزین می‌کنیم به فرموده‌ی بانو و سرور عالمیان حضرت زهرا (س) که چنین فرمودند: هنگامی که پروردگار عالم اجازه دادند تا یاران حضرت عیسی (ع) مائده‌ی مخصوص را بگیرند حضرت عیسی دست‌ها را به آسمان گشودند و فرمودند: ای خالق جانم، وعده‌ی تو حق است و اینان گدایان آل محمد (ص) هستند، با من پیمان بسته‌اند تا به آنان پیامبر آخرین را در پرده‌ی غیب معرفی کنم و آنگاه که انوار پیامبر آخر را درک کردند و بزرگی مقام و جلالت فرزندانش را دیدند از درگاه با فضیلت و با جلالت تمنا کردند تا مهمان آنان شوند، گوهر وجودشان را درک کنند و مهمان سفره‌ی احسانشان باشند. پس پروردگار عالم پذیرفتند و آنان از این احسان، جانشان در پرتو انوار پنج تن آل عبا واقع گردید.

اطاعت از فرامین قرآن کریم همان مودت است که حجاب ما و مردمان را از بین می‌برد و آنان می‌توانند شأن و مقام ما را بشناسند و در اثر شناخت، نجات از خشم الهی را نصیب خود کنند و اگر نتوانند این گنجینه‌ی الهی را حفظ کنند انوار ما را درک نمی‌کنند و در تاریکی جهل واقع می‌شوند. پس دستور مودت، دوستی دنیایی نیست بلکه دریچه‌ای است که باید بتوانید از آن عبور کنید تا مورد غضب الهی واقع نشوید.

با توجه به فرمایشات امام محمد باقر (ع) و بانو و سرور عالمیان متوجه شدیم عدم شناخت امامت به معنی محروم شدن از همه‌ی نعمت‌های الهی است.

حال در این شب مبارک دست به دعا برمی‌داریم که:

بار الها به ما یاری فرما که امام، مولا و سرورمان را خوب بشناسیم و با عمل به دستورات ایشان که همان دستورات الهی در قرآن است به مودتی دست یابیم که نجات دنیا و آخرتمان را در پی داشته باشد. ان شاء الله

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی ۲۸ صفر

۱۳ بهمن ۸۹

سخن را با ستایش پروردگاران آغاز می‌کنیم، پروردگاری که رحمان است و رحیم، رزاق است، جبار است، کریم است، حی است و مدبر امور جهانی است که از ازل تا قیامت او را تسبیح‌گو بوده و غیر در مقابلش نابود گردیده است، دست خود را یدالله معرفی فرموده و شناخت قدرش را قَدَرَ اللهُ نام برده است، جهان را با انوار هدایتش همواره از ضلالت جهل به‌طرف نور و رهایی هدایت فرموده و بهترین خلیفگان خویش را برای این منظور برگزیده تا نوری باشد در وجودهای تاریکمان.

اکنون به سوگ پیامبرش نشستیم، پیامبری که الگوی رحمت الهی بود، می‌خواهیم رفتنش از زمین را به‌عنوان بزرگ‌ترین مصیبت معنا کنیم، افسوس که مصیبت را نمی‌شناسیم، نامش را به‌عنوان نوحه‌سرائی و به سوگ نشستن آموختیم، آیا بر سر و سینه زدن جواب‌گوی فقدان رسولمان است؟ اگر جواب‌گوی عمری هدایت، چراغی است که می‌باید از ما خلیفه‌ای می‌ساخت و اکنون ما خود را مدیون این هدایت در مقام خلیفه می‌دانیم پس باید گریبان چاک کنیم که این غم جگرمان را در اندوهش زخم زد، ولی عمرمان چه شده؟ چگونه ادعا کردیم امت او هستیم درحالی‌که هدایتش را در وجودمان با بازی نفسمان به تباهی کشانیدیم و ناممان را مسلمان اعلام کردیم درحالی‌که تسلیم نفسمان هستیم؟

اکنون که با خود تسویه حساب نمودیم و جایگاه خویش را در سوگ پیامبران شناختیم، می‌توانیم از پروردگاران اذن ذکر مصیبت بگیریم و بگوییم، فریاد بزنیم، بر سینه بکوبیم که ای خالق ما: کتابت را مهجور کردیم و هدایت‌گران آن را در مقام پرستی وجودمان از صحنه‌ی جهان محو نمودیم تا همواره خودمان باشیم و ادعای دروغی‌مان تا ایام عمرمان را بگذرانیم و به دیدارت بیاییم و مأمورانت سؤال کنند: پروردگارت کیست؟ و ما پاسخ دهیم پروردگاران آن خدایی است که پیامبرانمان برایمان از او معجزاتش را آوردند تا او را بشناسیم، آیا زبانمان قادر است تا نامش را

تکرار کند؟ پس فقدان پیامبر (ص) را احساس می‌کنیم، یا رسول‌الله کمکم کنید، می‌خواهم پاسخ سؤالی را بدهم که شما آن را به من آموختید، من امت شما هستم، اکنون منتظرم تا چراغ روحم را منور کنید، مصیبت آغاز می‌شود و اینجاست که نامش معنا می‌شود پس بزرگ‌ترین مصیبت مردن با جهل است که باید قبل از مبتلا شدن آن را درمان کرد، پرده‌های غفلت را شناخت و آن را از میان برداشت تا رسول معنا شود پس خدمت امامان حضرت مهدی (عج) اعلام می‌داریم: ای جانشین پیامبرمان، ما مهمان خانه‌ی حقیق، خانه‌ای که ضلالت‌ها را در پرده‌ی جانش به نمایش گذاشته تا قبل از توقف زمان عمرمان ما را در کشتی نجاتش به سرمنزل نجات رهنمون شود، پس محرمی را آغاز کردیم که در آن شهادت معنا شد و ماه صفری که رسالت و شهادت هر دو در وجودمان نقش گرفت و اکنون می‌رویم تا آغاز امامتتان را در فقدان سال‌های انتظار به جا مانده دهیم. مولا جان اجازه بدهید تا امروز امن یجیب را در کتاب آسمانی‌مان به مدد بخوانیم که پروردگاران بر ما ترحم کنند و ما را عزادار پیامبری به عرشیان معرفی کنند که دوستش دارند و به زبان‌هایمان رخصت دهند تا یا محمدا را ذکر جان کنند که جا مانده منور به نور امامت و هدایت شود. مولا جان، به فدای جانتان که جهلمان آن را مانند خنجری می‌شکافد و درمانش نمی‌کند بلکه فراموش کردن فرامین جدتان به سوزشش می‌افزاید، پس امروز بر مصیبتی گریان هستم که با شناخت رسالت و امامت از دریچه‌ی قرآن کریم معنا شده و ماه صفری را به پایان می‌بریم که حزن و اندوهش در قلبمان از واقعیت‌های شناخت نفسمان در حرکت حق و زدودن باطل از صورت وجودی‌مان بوده تا همواره ایام عمرمان شاهد پیروزی حق و نابودی باطل باشد، پس دست‌هایمان را به آسمان دراز می‌کنیم تا گیرنده‌ی آن الطاف الهی باشد و همگی با هم صدا می‌زنیم: ای فریادرس فریادخواهان، یا غیاث المستغیثین، بندگان خود را دریاب که محتاج لطف و احسانت در فقدان رسالت هستند تا همواره از چراغ هدایتش بهره گیرند و به‌عنوان بنده‌ی مخلص به دیدارت آیند، پس به امید گشایش در فرج مولایمان می‌خوانیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۲ بهمن ۸۹

خطبه‌ی شهادت امام حسن عسکری (ع)

حمد و سپاس سزاوار و شایسته‌ی پروردگار عظیم و کریم است که زبان‌ها از ستایش، تمجید و تعظیمش ناتوان و اندیشه‌ها در مجد و عظمتش حیران و نعمت‌هایش بی‌کران، احسانش فراگیرِ بندگان، سلاطین و گردنکشان در برابرش عاجز و ناتوان، قدرت‌ش بی‌پایان، سلطنتش جاویدان، عزیزترینِ عزیزان و کریم‌ترینِ کریمان است.

خدایا از تو درخواست می‌کنیم بر افضل پیامبران و اکرم رسولان حضرت محمد (ص) و بر خاندانش درود فرستی که همگی از پاکان و از امامان و پیشوایان، راهنمایان، مولایان، ستارگان درخشان، پرچم‌های نمایان و کشتی‌های نجات هستند. همان‌هایی که ای خداوند کریم خودت و رسول گرامی‌ات به مودت و پیروی از دستوراتشان سفارش فرمودی و نجات و رستگاری را در امامت و ولایتشان قرار دادی. ولی افسوس که عده‌ای از بندگان ناسپاس قدر نعمت تو را ندانسته و کفران آن نمودند و امامان را در شأن و مقامشان پذیرفتند و جسارت ورزیدند، آزرده‌اند، اسیر و زندانی و تبعید کردند و به شهادت رسانیدند. لیکن ای خداوند رحیم و با کرامت تو نعمت و حجت را تمام نمودی و آخرینشان را از دسترس ناسپاسان و قدرناشناسان دور نمودی. ما تو را به واسطه‌ی همه‌ی حکمت‌ها و تدابیرت مخصوصاً به این اراده که بر اساس علم ازلی و ابدیت بوده است تو را سپاس‌گزاریم.

در شب شهادت یازدهمین ستاره‌ی امامت و ولایت، عالم و زاهد، با تقوا و با وقار، با عفت و با حیا، ابا محمد امام حسن عسکری (ع) واقع شدیم که به اعتراف دوست و دشمن مظهر ابهت پروردگار عالم، ابهت اهل‌بیت و ابهت اسلام و انسان کامل بودند.

امام حسن عسکری (ع) دارای کرامات زیادی بودند که یکی از آن‌ها زمینه‌سازی و تعلیم شیعیان برای دوران غیبت فرزند بزرگوارشان حضرت مهدی (عج) بود. امام به شیعیان آموخت در صورت عدم حضور فیزیکی امام عصرشان چگونه از کرامات وجود

مقدسشان بهره‌مند شوند. امام حسن عسکری (ع) این مهم را با تحمل سختی‌ها و مشکلات و با انجام تهرینات و دادن سفارشاتِ خاص به شیعیان به انجام رسانید.

معتد عباسی در هشتم ربیع‌الاول سال ۲۶۰ هجری ایشان را مسموم و به شهادت رساند، لعنت الله علی القوم الظالمین.

در شب شهادت این امام همام قسمتی از سفارشات ایشان به شیعیان و دوستداران اهل‌بیت را بیان می‌کنیم و از خداوند منان می‌خواهیم ما را در انجام این سفارشات مدد فرماید.

ایشان می‌فرمایند: که اگر اعلام می‌کنید که شیعه‌ی ما هستید پس همان‌گونه که اسم ما زینت شماست تقوا را پیشه‌ی خود کنید تا برای ما اهل‌بیت شما هم زینت باشید. مودت و محبت مردم را به‌سوی ما جلب کنید و از گناه و زشتی پرهیز کنید تا مایه‌ی ننگ ما نباشید.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۴ بهمن ۸۹

خطبه‌ی سالروز آغاز امامت حضرت مهدی (عج)

حمد و سپاس بی‌کران، بی‌پایان، بی‌شمار و بی‌انتهای خداوند عظیم و رحیم را سزااست. خداوندی که نهان است و آشکار، فاتح است و بزرگوار، مقتدر است و مهربان، حاکم است و حکیم، شاهد است و شهید، حبیب است و جلیل، صاحب است و حلیم، قاضی است و عادل و حافظ است و محیط. نیست معبودی جز خداوند یکتا. پاک و منزّه است پروردگار کریم.

سلام بر شبی که چونان شب معراج نویدی در بطن خود دارد، نویدی که دوران‌ها را به یکدیگر همچون ریسمانی متصل خواهد نمود آنگاه فرشتگان الهی به شادمانی به گرداگردش به چرخش درآیند و زمینیان با تحیت به استقبالش بروند و آنگاه جهان خفته بیدار شود با صبحی که زخم‌های جهلش را با نور هدایت مداوا کند.

سلام بر پیامبر خاتم، رسول اکرم، افضل اوصیاء حضرت محمد (ص) و بر اهل‌بیت پاک و گرامی‌اش. شکر پروردگار کریم و مهربان را که در هیچ زمان انوار هدایتش در زمین خاموش نگشته و هر زمان که خورشیدی غروب کرده با طلوع خورشید دیگری زمین را منور نموده.

امروز نهم ربیع‌الاول، یک روز بعد از شهادت امام حسن عسکری (ع) و روز شروع امامت منجی عالم بشریت، عصاره‌ی نبوت و آخرین نور هدایت، حضرت مهدی (عج) است. امروز قلب شیعیان محزون از روز گذشته است که روز شهادت امام حسن عسکری (ع) بود و شاد است به خاطر امروز که روز شروع امامت آخرین اختر آسمان امامت و ولایت، سرور مولا، امام عصر و زمان ابوالصالح المهدی (عج) است که سلام و درود بی‌پایان خداوند کریم بر ایشان و بر اجداد طاهری‌شان باد.

سلام بر حق جدید و به آن عالمی که علمش تمام نشود، سلام بر زنده کننده‌ی مؤمنین و درهم شکننده‌ی کافرین، سلام بر مهدی ملت‌ها و جمع کننده‌ی کلمات، سلام بر

جانشین گذشتگان و دارای مقام ارجمندی و شرف، سلام بر حجت معبود و کلمه‌ی ستوده، سلام بر عزیز کننده‌ی اولیاء و خوار کننده‌ی دشمنان و وارث انبیاء و ختم کننده‌ی جانشینان، سلام بر قائم منتظر و عدل شرف یافته، بر شمشیر آخته، ماه تابان و نور درخشانِ آفتاب و تاریکی‌ها.

سلام بر بقیةالله (عج) که خداوند عزیز و ارجمند وعده فرمود او را به همه‌ی امت‌ها، این‌که جمع کند به‌وسیله‌ی او کلمه‌ها را و خاطر جمع کند به‌وسیله‌ی او پریشان حالی را، پر کند زمین را با قسط و عدل و جاه و مقام دهد به آن و وفا کند به وعده‌ای که به مؤمنان داده.

بله تمام مؤمنانِ زمان‌ها مانند منتظرین عصر حاضر منتظرند ببینند وعده‌ی حق را در دولتی که همگان از تمام ادیان الهی با انوارش زخم‌های جهل را مداوا می‌کنند و به یارانش در دوران غیبت نظر کنند و آنان شادمان حاصل انتظارشان را ببینند و در رحمت دولتِ پادشاه عالمیان به سرمنزل مقصود برسند.

چه زیبا سرور عالمیان حضرت زهرا (س) انتظار و دولت ظهور را توصیف فرمودند که: جان عالم منتظر است تا پوسته‌ی خویش را از جان جدا کند تا همگان برهنگی‌اش را ببینند و سر انگشتان خویش را بگزند و درحالی‌که اشکِ ندامتشان بر چهره‌ی رنج کشیده از مکرشان جاری می‌شود، الله را بخوانند به مددی که دیگر زمان یاری‌شان نمی‌کند، آنان را وا می‌گذارد تا نقابِ چهره‌هایشان از صورت مسلمانان دریده شود و همگان پشت آن چهره‌ی مکار ببینند سپس به بازوان حق مدد دهند تا جهانِ تشنه از عدالت را سیراب کند.

پروردگار کریم بندگانی را که از اوامر الهی اطاعت کنند در نعمت‌هایی که در کتاب آسمانی نام برده است قرار می‌دهد و آن نعمت‌ها تمام نشدنی است. پیوند ادیان الهی در زیر پرچم آخرین نور هدایت باشکوه‌ترین لحظه خواهد بود و هر کس را که نام او در قرآن کریم به‌عنوان صالح برده شده است از مهمانان این دولت باشکوه است. رجعت نام‌برده شدگان در دولت ظهور، مزد صبر آنان بر مصائب زمان خودشان خواهد

بود. آنان پاکانی هستند که رنج را تجربه کرده‌اند، پس خوب فکر کنید آیا رنج آنان در مقابل کفر تا آخرین لحظه‌ی عمرشان باعث شد تا راه را با ناامیدی ادامه دهند یا عزم آنان را محکم‌تر کرد تا با آن عزم، پرچم عدالت را تقاضا کنند؟

پس ما منتظران وجود با برکتش، در این روز مبارک قبل از این‌که از خداوند تقاضای پرچم عدالت را کنیم، وجودمان را از آلودگی‌ها پاک کرده و دست بیعتمان را قبل از همه به سویشان دراز کرده تا تجدید بیعت کنیم و دست ایشان را رها نکرده بر آن بوسه می‌زنیم و بر چشم و قلبمان می‌گذاریم تا غم‌های هجران را با گرمی دستشان به وصلی شیرین تبدیل کنیم.

در خاتمه دست به دعا بر می‌داریم که:

بار الها ما با یقین به کرامت و مهربانی‌ات در حق بندگان، باور داریم که دعای ما را اجابت فرموده و ظهور مولایمان را نزدیک کرده‌ای، پس قلب ما را با ظهور ایشان شاد فرما.

بار الها دشمنان وجود مقدسشان، ظهور را غیرممکن و دور می‌بینند، امید آنان را با طلوع فجرش به یأس تبدیل فرما.

بار الها در غیبتش ما را از منتظران واقعی و در زمان ظهورش جزء سوار شدگان کشتی نجاتش قرار بده. آمین

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی ولادت پیامبر اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع) ۲ اسفند ۸۹

حمد و سپاس از آن خداوندی است که برافراشت آسمان را، گسترانید زمین را، پابرجا کرد کوه‌ها را، روان ساخت رودها را و رام و مطیع خود کرد ابر و خورشید و ماه را، ستارگان و شب و روز را، نیست معبودی غیر از خداوند یکتا، پاک و منزّه است. می‌بخشاید گناهان را به عفوش، عطا می‌کند به مهرش، روزی می‌دهد به کرمش و هدایت می‌کند به حکمتش.

بار خدایا بر حضرت محمد مصطفی (ص) درود فرست، درودی که پایان نپذیرد و به شمارش نیاید. بر بنده‌ی خاصت، فرستاده‌ات، پیامبرت، برگزیده‌ات، گنجینه‌ی آمرزش و پیشوای خیر و برکت، نجات دهنده‌ی بندگانت که بازداشتی پلیدی‌ها را از پدران و مادرانش، نگهداشتی در همه‌ی دوران‌ها او را از زشتی‌ها تا این‌که به دنیا آمد در زمانی که تو اراده فرمودی و او نجات داد بندگانت را از گمراهی و جهالت و رحمت را به وسیله‌ی او گسترانیدی و نعمت را فزونی بخشیدی.

سلام و درودِ ثانیه‌های حیات، بر تپش قلبی که حیاتش را آنگاه که با فرمان پروردگارش اعلام فرمود مردگان، از گورهای زمان برخاستند و حیاتِ انسان‌ها در انوار هدایتش تا برپایی قیامت از هدایت بی‌نیاز گردید، محبتش در آسمان‌های هفت‌گانه به ثبت رسید و ملکوتیان چهره‌اش را شناختند و آنگاه که نامش اعلام گردید زمین از آمدنش مزدگانی خواست و پروردگار کریم فرمود: من و فرشتگانم تا عالم باقی است بر او درود و سلامی پی‌درپی خواهیم فرستاد تا جهان، با نامش از کفر به سایبان هدایت تبدیل شود و تشنگانِ هدایتش از انوارش بنوشند تا جام‌های جانشان از انوار پروردگارشان تهی نگردد.

امروز هفدهم ربیع‌الاول است چه روز بزرگی است چون خداوند کریم با وحی و اراده‌ی خود به زمین و زمان و امت‌های گذشته وعده‌ی سعادتِ این روز را داده بود و همه منتظرش بودند و پروردگار کریم با تولد خاتم انبیاء حضرت محمد (ص) به

وعده‌ی خود از کرامتش عمل فرمود. پس چه سعادت‌مند هستند امت این پیامبر بزرگ که اگر ضمن عمل به دستورات و هدایتش هر دم و بازدمی بر او و بر اهل‌بیت پاکش درود و صلوات بفرستند نخواهند توانست از شکر چنین نعمتی برآیند.

امروز سرور و شادمانی خودمان را در تولد رسول خاتم و فرزند گرامی‌شان حضرت امام جعفر صادق (ع) ابراز می‌داریم و شیرینی این روز را با شنیدن سخنان گهربار سیده‌ی دو عالم کوثر هستی حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) صد چندان می‌کنیم که ایشان فرمودند: خداوند کریم به پیامبر خود چنین فرمود: سلام بر تو ای گنج پایان نیافتنی و ای معدن رحمت پروردگار عالم، تو را برگزیدم و فرمان می‌دهم تو را صدا بزنند تا قیام کنی که محمد (ص) آمد، حیات و ممات آمد، رازق و مرزوق آمد، زنده شوید و رزق جاوید را ببینید که عالم را مرزوق است که سایه‌ی رحمتش بینوایان را می‌نوازد و آتش عشقش کفر و طغیان را می‌زداید پس عاشقان کویش نامش را با درود پروردگارش بخوانند تا جراحات‌های دوران به نوید رحمتش مرهم شود و مسافران کویش بر سرمنزل جاودانگی نوید داده شوند.

سپاس و باز هم سپاس بر قلبی تپنده که انوار روح خداوندی است و با هر ضربانی گویای فرامینی است که آفرینش را بر همگان عرضه می‌دارد پس کتاب جان‌ها در هدایتش جاودانه می‌شود و همگان در انوارش از تاریکی جهل نجات می‌یابند همان‌گونه‌ای که پروردگار عالم به حضرت عیسی (ع) اذن دادند تا مائده‌ی مخصوص را بگیرند، حضرت عیسی (ع) دست‌ها را به آسمان گشودند و فرمودند: ای خالق جانم، وعده‌ی تو حق است، یاران من گدایان آل محمد (ص) هستند، با من پیمان بسته‌اند تا به آنان پیامبر آخرین را در پرده‌ی غیب معرفی کنم و آنگاه که انوار پیامبر آخر را درک کردند و بزرگی مقام و جلالت فرزندانش را دیدند به تمنا از درگاه با فضیلت و با جلالت تمنا کردند تا مهمان آنان شوند و گوهر وجودشان را درک کنند و مهمان سفره‌ی احسانشان باشند، پس پروردگار عالم پذیرفتند و آنان از این احسان، جانشان در پرتوی انوار پنج تن آل عبا واقع گردید. پس در این روز مبارک ما نیز دست‌هایمان را به سوی آسمان بلند کرده و همچون یاران حضرت عیسی (ع) از خداوند کریم،

مائدهی خود را می‌خواهیم که ای پروردگاری که جانم در دستان پر قدرت توست، در کتاب آسمانی فرمودی پیامبر و فرزندان پیامبر را به مقام محمود مژده می‌دهی تا بیچارگانی چون ما را در کرامت آن مژده ببخشایی پس اکنون منتظر آن رحمت هستیم و برای دیدن یوسف زهرا، امام و سرور و مولایمان ابوالصالح المهدی (عج) روزشماری می‌کنیم، خداوندا همان‌گونه‌ای که به انتظار امت‌های گذشته در این روز با تولد پیامبر آخرین پایان بخشیدی انتظار ما را هم با تعجیل در ظهور مولایمان به سعادت دیدارش پایان ببخش.

در خاتمه دست به دعا برمی‌داریم که:

بار خدایا بر حضرت محمد (ص) و خاندانش درود بفرست.

بنای دین او را از همه‌ی دین‌ها شریف‌تر گردان.

دلیل و برهانی را که با قرآن آورده عظیم‌تر نما.

ترازوی حسنات و نیکویی‌های او را سنگین‌تر فرما.

شفاعتش را بپذیر. ما را بر سنت او زنده بدار. بر دین او بمیران و فرمان‌بردار او قرار بده.

ما را بر سر حوضش و با جام او سیراب نما.

در ظهور فرزند گرامی‌اش که ادامه دهنده‌ی راه و هدایت اوست تعجیل فرما.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۲ اسفند ۸۹

خطبه‌ی ولادت امام حسن عسکری (ع)

حمد و سپاس بی‌پایان، خداوند با جلال کبریایی و با عزت و جبروت را سزاوار است. خداوندی که به توانایی‌اش عالمیان را قیام بخشید و زمین و آسمان‌ها در برابرش به فروتنی در آمد. کوه‌ها در پیشگاهش خاضع شدند، دریاها از خروش افتادند، بادها و طوفان‌ها به نسیم مبدل گشتند و همه‌ی فرشتگان به خشوع در آمده و تسبیح او گفتند و پیامبران و اولیاء و دانشمندان و راست‌گویان به راستی به وحدانیت و عظمت او گواهی دادند. نیست معبودی غیر از او و پاک و منزّه است.

بار الها درود فرست بر افضل اوصیاء خاتم انبیاء حضرت محمد مصطفی (ص) و بر اهل بیت پاکش. درود و رحمتی که هر لحظه بر آن برکتی که تو توانایی آن را داری بیفزایی.

سلام و رحمت پروردگار عالم بر جان‌هایی وحی شده که بر آنچه از خزانه‌ی غیب بر آنان عرضه شد سر تسلیم فرود آوردند و بر مقدرات خویش آنگاه که امر شد بروید و آمدنتان را فراموش نکنید که جزء زیانکاران خواهید شد. پس با عملی به دیدارم آید که نعمت‌هایم را به شما عرضه کنم و فقدان رفتنتان را به بازگشتی پیروزمندانه بشارت دهم و آنگاه که صدای حق، شما را به بهشت موعود مژده می‌دهد در پاسخ بگویید: ای سال‌های هجران دیگر شما را به یاد نمی‌آورم و آن‌چنان فراموشتان می‌کنم که انگار هرگز در آن مکان نبوده‌ام. پس انتظارم به وصلی مبارک مبدل گردید.

چه زیباست فرموده‌ی سرور عالمیان حضرت زهرا (س) و چه مصداق شد این سلام و رحمت، بر ایشان و پدر و همسر و فرزندان‌شان که همیشه در برابر غیب خداوندی سر تسلیم فرود آورده و به مقدرات الهی راضی شدند، دنیا را فراموش کردند و فقط به از کجا آمدن و به کجا رفتن فکر می‌کردند و با عملی به دیدار حق رفتند که خداوند از آن‌ها خشنود شود.

ما امشب به سرور و شادمانی عالم و زاهد و باتقوا، باوقار و باعفت و باحیا و باشرافت و باابهت، یازدهمین اختر امامت و ولایت حضرت امام حسن عسکری (ع) نشستیم. این امام همام در هشتم ربیع الثانی سال ۲۳۲ هجری به دنیا آمدند. مدت ۲۲ سال همراه با پدر بزرگوارشان امام هادی (ع) و شش سال امامت خود را در زندان و یا در تبعید بودند به همین دلیل شیعیان به سختی با ایشان ملاقات می کردند. مدت ۲۸ سال عمرِ گران بهایشان با هشت خلیفه‌ی ظالم و سنگدلِ عباسی مصادف بود و آن‌ها از هیچ‌گونه آزار و اذیتی در مورد ایشان کوتاهی نمی کردند. به طوری که یک بار شیرها و یک بار سگ‌های وحشی و گرسنه را به زندان امام انداختند ولی در مقابل چشم آن کوردلان نه تنها این حیوانات وحشی هیچ آزاری به او نرساندند بلکه امام را طواف کردند.

بله بشر اگر دارای اخلاق رذیله شد از هر حیوانی درنده‌ای درنده‌تر است چون حیوان درنده در مقابل ولایت و امامت سر تسلیم فرود آورد ولی انسان‌های کوردل با وجود دیدن عظمت و شکوه و ابهت و شخصیت امام نه تنها به خود نیامدند بلکه ایشان را شهید کردند. لعنت الله علی قوم الظالمین و الغاصبین.

ما این روز خجسته و مبارک را به پیشگاه فرزند گرامی‌شان سرور مولا و امامان بقیة الله ارواحنا لک الفدا (عج) تبریک و تهنیت می‌گوییم که وارث تمام خصائل و فضائل پدران‌شان بوده و هست و فرصت را غنیمت شمرده می‌گوییم:

مولای ما در این زمانه‌ی پر از فتنه و ظلم و کفر ما نیز همچون شیعیانِ زمان پدر بزرگوارتان از دیدار شما محروم هستیم. به دل‌های مشتاق و چشم‌های اشک‌بار ما نظری و عنایتی فرمایید تا دل‌های سوخته‌ی ما را مرهمی باشد.

در خاتمه دست به دعا برمی‌داریم که:

بار الها عذاب ابدی بر غاصبین و قاتلین و دشمنان اهل بیت از اولین تا آخرینشان مقرر فرما.

بار الها دل‌های شیعیان و دوستداران اهل بیت را با انتقام از دشمنانشان شاد فرما.

بار الها در ظهور دولت حقه‌ی منتقم و اجرا کننده‌ی عدالت، امام و سرورمان اباصالح
المهدی تعجیل فرما.

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com